

فرآیند نوین پژوهش اثرگذار در گزارش سیاستی؛ گامی به سوی تحقق حکمروایی دانش‌مبنا

حمید محمدی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۳

چکیده

کاربست نتایج پژوهش‌ها و دیدن نتایج عملی آنها در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و به‌دنبال آن، پدیداری نشانه‌های توسعه در کشور از جمله دغدغه‌های مهم پژوهشگران، سیاست‌گذاران و فعالان عرصه‌های گوناگون علمی، دانشگاهی و اجرایی است. آنچه طی دو دهه اخیر در کشورمان آشکار است، رشد قابل توجه تعداد مقالات علمی و ارتقای جایگاه ایران در این شاخص در عرصه‌های بین‌المللی است؛ اما در کنار آن، موضوع دیگری که خودنمایی می‌کند، عدم احساس تأثیرگذاری نتایج این پژوهش‌ها در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی است. بر این اساس، هدف این پژوهش ارائه فرآیند نوینی برای تهیه گزارش‌های پژوهشی با تأکید بر گزارش‌های سیاستی جهت افزایش قدرت تأثیرگذاری آنها و به‌دنبال آن، بهبود احساس گام برداشتن در مسیر توسعه توسط همگان است. به این ترتیب، پژوهش با جمع‌آوری داده‌ها به شیوه اسنادی و روش فراتحلیل و ارزیابی فرآیندهای موجود انجام پژوهش سیاستی و به‌دنبال آسیب‌شناسی شرایط موجود، انجام و درنهایت منجر به ارائه چارچوب جدید انجام پژوهش‌های سیاستی با تأکید بر اثرگذاری بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از طریق بهبود قابلیت‌های اجرایی حکومت جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای شده است. این چارچوب جدید پیشنهادی در ۶ فصل تنظیم شده است که عبارتند از (۱) کلیات؛ (۲) معرفی سیاست، آسیب‌شناسی وضع

موجود و روند پژوهشی؛ ۳) روایت روایت‌ها؛ ۴) مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی؛
۵) ارزیابی ایده‌ها و روایت‌ها؛ ۶) بسته پیشنهادی، پیش‌نیازها و الزامات.

واژه‌های کلیدی: تعامل دانشگاه و سیاست‌گذاری، فرآیند نوین، پژوهش اثرگذار، گزارش سیاستی، حکمروایی دانش‌مبنا، توانمندسازی حکومت
طبقه‌بندی JEL: B00

مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر، پژوهش‌های مؤثر در سیاست‌گذاری‌ها نقشی حیاتی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای جوامع ایفا می‌کنند. تأثیرگذاری پژوهش‌ها و استراتژی‌های متقاعدسازی سیاست‌گذاران به‌عنوان محورهای اصلی این مقاله، نشان‌دهنده ضرورت توجه به آینده‌نگری، ابتکار و تعامل میان دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی با مراکز سیاست‌گذاری است. این موضوع از آن حیث دارای اهمیت است که ارتقای تأثیرگذاری و اجرایی‌کردن و به‌عبارتی کاربست نتایج پژوهش‌ها، منجر به توانمندسازی حکومت‌ها از طریق افزایش قدرت حل مسئله آنها به‌عنوان شاخص حکمروایی دانش‌مبنا و شرط آستانه‌ای ورود به مسیر توسعه می‌شود.

در عرصه علمی و پژوهشی، نگارش مقالات، کتاب‌ها، گزارش‌ها و طرح‌های پژوهشی، فعالیت‌هایی‌اند که توسط دانشمندان، پژوهشگران، دانشجویان و استادان با هدف بهبود وضعیت کشور و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار انجام می‌شوند. ایران در سال‌های اخیر شاهد رشد قابل توجهی در انجام این فعالیت‌های پژوهشی بوده و از نظر کمیت پژوهش‌ها در میان کشورهای منطقه و جهان جایگاه ممتازی کسب کرده است. براساس آخرین آمارهای پایگاه وب‌آوساینس^۱، در سال ۲۰۲۳ تعداد مقاله‌های منتشرشده توسط پژوهشگران ایرانی ۶۲۸۰۳ مورد، رتبه تولید علم ایران در جهان، ۱۵ و در میان کشورهای اسلامی اول بوده است. همچنین سهم ایران در تولید علم در جهان ۱/۸۸ و در کشورهای اسلامی ۱۷/۳۵ بوده است. این آمار در پایگاه اسکوپوس^۲ نیز با اندکی تفاوت به این شرح است: تعداد مقالات ۷۳۴۷۳ مورد، رتبه تولید علم ایران در جهان، ۱۶ و در میان کشورهای اسلامی دوم است. سهم ایران در

1. Web of Science
2. Scopus

تولید علم در جهان نیز ۱/۸۵ و در میان کشورهای اسلامی ۱۵/۲۳ است. با این حال، سؤال اساسی و مهم این است که این پیشرفت در تولید علمی، تا چه حد در بهبود شاخص‌های توسعه کشور و وضعیت اجتماعی تأثیر گذاشته است؟ به تعبیر مقصود فراستخواه نماگرهای غرورآمیز رشد علمی در ایران به همراه شواهد نگران‌کننده آن، به یک پارادوکس تبدیل شده است؛ دور انتشار مقالات علمی ایران افزایش یافته است؛ اما تأثیر اجتماعی این مقالات چیست؟ چه کمکی به عمل و زندگی روزمره مردم در گوشه و کنار مناطق کشور و توسعه پایدار این سرزمین می‌کنند؟ از طرفی، رشد کمی بسیار غرورآفرینی در تعداد مقالات علمی به‌عنوان یک نشانه‌شناسی از تحولات ایران از حیث افزایش آموزش‌های دانشگاهی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دکتری و مقالات مستخرجه به‌چاپ رسیده، از حاصل جمع آنها دیده می‌شود که در نشریات علمی، پژوهشی و مستندشده داخلی و خارج طی دو دهه گذشته انتشار یافته و مورد استناد قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، در این تغییرات که به‌طور عمده خود را به‌صورت نمونه‌ای مفرط از پارادایم «منتشر کن یا نابود شو»^۱ نشان می‌دهند، تردیدهای جدی وجود دارد؛ تردید در کیفیت آنها، به‌ویژه اثربخشی اجتماعی آنها (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۱۹).

این موضوع از آن حیث اهمیت دارد که افزایش کمی (و به‌عبارتی سیطره کمیّت) فعالیت‌های علمی به‌خودی‌خود هدف نیست؛ بلکه اهمیت آن در ارتقای وضعیت توسعه‌یافتگی جامعه و بهبود شاخص‌های مرتبط با آن است. براساس نتایج بسیاری از گزارش‌ها، ایران به‌رغم پیشرفت‌های علمی، هنوز از نظر شاخص‌های توسعه، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد (برای مثال، در شاخص ترکیبی توسعه مشتمل بر شاخص‌های توسعه فردی (به‌زیست عینی، به‌زیست ذهنی)، توسعه فرهنگی (رابطه جامعه با فرهنگ، رابطه دولت با فرهنگ)، توسعه زیست‌محیطی (نظام مدیریت محیط زیست، وضعیت محیط زیست)، توسعه اقتصادی (تخصص و کمیّت‌های اقتصادی / توزیع، رفاه و مصرف / تثبیت و کیفیت اقتصادی)، توسعه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، کیفیت محیط اجتماعی) و توسعه سیاسی (انحصار قدرت، کسب قدرت، اعمال قدرت، انفکاک قدرت، ادغام قدرت)، ایران در بین ۵ دسته از کشورها به‌لحاظ سطح توسعه‌یافتگی؛ یعنی کشورهای

توسعه‌یافته، پیشرو در توسعه، در آستانه توسعه، توسعه در وضعیت هشدار و توسعه در وضعیت اخطار در گروه چهارم؛ یعنی توسعه در وضعیت هشدار قرار گرفته است (رتبه ایران در سال ۱۴۰۱، ۱۱۷ در میان ۱۵۴ کشور؛ رتبه ایران در سال ۱۴۰۰، ۱۰۹ در میان ۱۴۹ کشور) (پویش فکری توسعه، کتاب توسعه، ۱۴۰۰، ۱۲۸) و به‌ویژه افزایش دانش‌آموختگان و مدارک تحصیلی و کتاب‌ها و مقالات و پژوهش‌های علوم انسانی، در عمل نتوانسته برای افزایش رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی و گره‌گشایی از معضلات موجود کشور در ابعاد مختلف کاری انجام دهد (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۱۳). غالب مقالات فاقد خلق معانی و گشودن آفاق معرفتی‌اند، نمی‌توانند پرسش‌افکنی کنند و در انتقال دانش به زندگی روزمره در جامعه عمومی و عرصه‌های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی و مدیریتی و کسب و کاری و سیاستی توفیق چندانی داشته باشند، به ترویج عمومی علم و بسط آگاهی، یاری‌اندکی می‌رسانند و چرخه دانش را از مسئله تا نظریه و از نظریه تا عمل و کاربست نظریه، تکمیل نمی‌کنند و کمتر مورد نقد و گفت‌وگوی علمی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، در مقالات کم‌وبیش نظاره‌گر آثاری از فرمالیسم علمی و کالایی‌شدن، ابزاری‌شدن و حتی پولی‌شدن هستیم. باید دید آیا این انبوه مقالات واجد دلالت‌های معرفتی و معنایی و مفهومی یا خصیصه‌های روشنگر و انتقادی و یا ارزش‌های سیاستی و کاربردی مشخص هستند و می‌توانند گرهی فروبسته از گره‌های توسعه در سطوح ملی و محلی ما بگشایند؟ تا چه حد می‌توانند طرح مسئله یا معما کنند، تصمیم بسازند، سیاستی پیشنهاد کنند و دلالتی اجرایی و قابلیت کاربردی داشته باشند؟ (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۲۶-۲۵).

مشکل اصلی کجاست؟ به نظر می‌رسد یکی از مسائل مهم در این ارتباط این است که پژوهش‌های موجود تأثیر قابل توجهی بر فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نداشته‌اند. برای این امر می‌توان دلایل متعددی، از جمله عدم کاربرد مناسب نتایج پژوهش‌ها، عدم توجه سیاست‌گذاران به یافته‌های پژوهشی، اشکال در روش‌های انجام پژوهش‌های سیاستی و عدم توجه جامعه به نتایج به‌دست‌آمده، برشمرد.

از میان مجموعه این دلایل، تمرکز این پژوهش بیشتر بر ارتقای روش‌ها و محتوای پژوهشی و شیوه تهیه گزارش‌های سیاستی با تأکید بر فرآیند پژوهشی مبتنی بر رویکردهای مسئله‌محور است؛ به نحوی که نتایج آنها بتواند توجه

سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را برای ارزیابی سیاست‌ها و انتخاب مناسبترین سیاست جلب کرده و احتمال کاربرد این پژوهش‌ها و استفاده از نتایجشان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا را افزایش دهد؛ چراکه وقتی عدم به‌کارگیری پژوهش‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری در عمل به معنای ائتلاف منابع و عدم استفاده صحیح از آنها در فرآیند تصمیم‌گیری و اجراست، گرایش به پژوهش‌هایی با رویکرد مسئله‌محور در جامعه این امید را ایجاد می‌کند که تلاش‌های پژوهشی پژوهشگران بر ریشه‌یابی مسائل و حل آنها متمرکز است. هدف از انجام این پژوهش، معرفی چارچوبی نوین برای انجام پژوهش‌های سیاستی با تأکید بر اثرگذاری بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و بیشینه‌کردن تأثیرات پژوهشی^۱ آنهاست؛ لذا نگارنده بر آن است به این سؤال اساسی پاسخ دهد که فرآیند مناسب برای انجام پژوهش‌های سیاستی چه ساختار و اجزایی دارد؛ به نحوی که بتواند بالاترین میزان اثرگذاری را بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری داشته باشد؟ باین حال با توجه به ماهیت این پژوهش که در آن، اتکا بر ادبیات و مبانی نظری سهم نسبتاً بیشتری دارد، تلاش می‌شود به‌طور ضمنی به سؤال‌های فرعی‌ای نظیر چگونگی متقاعدسازی سیاست‌گذاران به اجرای نتایج پژوهش‌ها، قابلیت اثرگذاری پژوهش‌ها بر سطح توسعه و عوامل بیرونی مانع تحقق آثار توسعه‌ای موردانتظار نیز پاسخ داده شود.

مبانی نظری

پژوهش در هر کشوری یکی از اجزای اساسی توسعه است. انجام صحیح و هدفمند پژوهش‌ها می‌تواند منجر به استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی شود و در صورت عدم توجه مناسب به آن، منابع ارزشمندی به‌هدر می‌روند. از سوی دیگر، تحقیقات، به‌ویژه آن مواردی که در سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجام می‌شوند، باید با هدف رفع نیازهای مشخص و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی طراحی شوند. این نوع پژوهش‌ها تنها زمانی ارزشمند هستند که نتایج آنها در تصمیم‌گیری‌های عملی به‌کار گرفته شوند. در واقع پژوهش‌هایی که بر حل مسائل مشخص و ملموسی تمرکز دارند، نقش کلیدی‌ای در توسعه توانمندسازی حکومت و جامعه ایفا می‌کنند. پژوهش‌ها انواع گوناگون بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای دارند و از حیث تأثیرگذاری

نیز دارای سطوح تأثیرگذاری گوناگونی هستند. تأثیرگذاری پژوهش‌ها یا بحث کاربردی، موضوع مهمی است که به‌ویژه در ارتباط با نهادهای سیاست‌گذار اهمیت مضاعف می‌یابد.

بنابراین، با توجه به سه مرحله مهم در انجام پژوهش؛ یعنی پیش، حین و پس از پژوهش، مناسب است تا در ادبیات نظری پژوهش مفاهیمی چون پژوهش و پژوهش‌گذار، کاربردی یافته‌های پژوهشی و موانع کاربردی، رویکردهای مسئله‌محور، گزارش‌های سیاستی، توانمندسازی حکومت‌ها و حکمروایی دانش‌مبنا بررسی شوند.

۱. پژوهش و پژوهش‌گذار

پژوهش برای تغییر دانش و ایجاد نتایج گوناگون در مورد یک موضوع انجام می‌شود (شیخ‌شعاعی، ۱۴۰۱). آنچه در این مقاله مهم است، بحث اثربخشی پژوهش‌ها و تبیین روش‌های مؤثر برای افزایش تأثیرگذاری پژوهش‌ها است. اینکه پژوهش‌ها چگونه از طریق ارتباط سازنده بین عرصه‌های علمی و سیاست‌گذاری، نه تنها در حوزه علمی؛ بلکه در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نیز تأثیرگذار باشند. چنان‌که در تاریخچه نسل‌های دانشگاهی (آموزش‌محور، پژوهش‌محور، کارآفرین و ثروت‌محور، ارتقای کیفیت زندگی مردم منطقه و ایجاد رفاه برای مردم) نیز، نسل چهارم دانشگاه‌ها بحث اثربخشی را مدنظر قرار داده‌اند.

نظام تحقیق حداقل دارای سه بخش مجزا و درعین حال مکمل است: نیازسنجی؛ به این معنا که مشخص شود به چه تحقیقاتی و در چه حدی نیاز است، خواست‌ها و مطالبات تحقیقاتی کدامند و گرایش به انجام چه تحقیقاتی وجود دارد. اجرای تحقیق؛ یعنی انجام تحقیق صحیح و مبتنی بر روش‌های علمی؛ به‌گونه‌ای که به شناخت واقعیت منجر شود. کاربردی تحقیق یا همان نحوه استفاده از نتایج تحقیق (نویدینا، ۱۳۸۵: ۲۰).

در بحث تأثیرات پژوهشی باید به تفاوت برونداد^۱ (نشر و چاپ مقاله)، نتایج^۲ (ایجاد فناوری و به‌کاربردن یافته‌ها) و تأثیرات^۳ (ایجاد تغییرات اقتصادی-اجتماعی جدید در جامعه) توجه کرد (احمدی شاپورآبادی و گلسترخی، ۱۴۰۱). بر این اساس،

-
1. Output
 2. Outcome
 3. Impact

تأثیر پژوهشی اگرچه از یک سو در برخی تعاریف عبارت است از انواع موارد متنوع نفوذ ثبت‌شده قابل ممیزی بر دیگران آکادمیک و غیرآکادمیک^۱ که در دو سطح متمایز می‌شود: تأثیر آکادمیک مثل استنادها (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۳۰)، یا همان تأثیرات علمی که به‌طور عمده از طریق پژوهش‌های بنیادی صورت می‌گیرد و شامل مشارکت در توسعه و غنی‌سازی حوزه‌های علمی و گسترش مرزهای دانش است (احمدی شاپورآبادی و گل‌سرخ، ۱۴۰۱) و به‌طور مستقیم به ارتقای سطح دانش و فهم در یک رشته علمی مربوط می‌شود و تأثیر برون‌آکادمیک مثلاً بر کسب و کار، دولت، جامعه محلی و مدنی و جهان اجتماعی و فرهنگی (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۳۰)؛ اما از سوی دیگر و در تعاریف دیگر برای مثال، در نظام نوین ارزیابی کیفیت پژوهش در مؤسسات آموزش عالی بریتانیا (REF)، تأثیر پژوهش عبارت است از هرگونه اثرگذاری، تغییر یا منفعت برای اقتصاد، جامعه، فرهنگ، سیاست یا خدمات عمومی، سلامت، محیط زیست یا کیفیت زندگی؛ به‌شرط آنکه فراتر از محیط علمی و دانشگاهی باشد (احمدی شاپورآبادی و گل‌سرخ، ۱۴۰۱).

در چارچوب تعریف دوم، اثربخشی به تحقق آثار و نتایج مورد انتظار دلالت دارد؛ بنابراین تا زمانی که اهداف یا همان آثار و نتایج مورد انتظار به‌طور شفاف مشخص نشده باشد، مفهوم اثربخشی نیز خالی از ابهام نخواهد بود (احسانی و همکاران، ۱۳۹۵). اهمیت توجه به اثربخشی پژوهش‌ها از آنجا ناشی می‌شود که حل تمام مشکلات توسعه‌ای و همچنین برداشتن هرگونه قدم روبه‌جلو به‌صورت هماهنگ و در سطح ملی، تنها از طریق اجرای پژوهش‌های نیازمحور و کاربردی و منطبق کردن تصمیم‌گیری‌ها با نتایج حاصل از این نوع پژوهش‌ها امکان‌پذیر است (شمس و همکاران، ۱۳۸۷). نگرانی و دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان پژوهشی جهان، حصول اطمینان از مؤثر واقع شدن پژوهش‌ها در دستیابی به اهداف توسعه است. در واقع، تأثیرگرآبودن به معنای آن است که بیشترین اهمیت به میزان اثربخشی فرآیند پژوهش در پیشبرد اهداف توسعه داده شود. به عبارتی، باید تأثیرگذاری پژوهش‌های علمی بر شاخص‌های مختلف توسعه، اعم از اقتصادی (فقر، بیکاری،

۱. گفتمان تأثیرات پژوهشی نباید باعث قربانی کردن استقلال آکادمیک، آزادی علمی و تنوع سبک‌های تولید دانش و حتی تنوع فعالیتی اعضای هیئت علمی شود. همچنین گفتمان تأثیرات بیرونی دانشگاهیان نباید اصالت کار علمی و تمامیت آکادمیک و علمی را مخدوش کند و به‌ویژه موجبات نفوذ قدرت و ثروت و ایدئولوژی و سازمان‌های بیرونی و گروه‌های منزلت و فشار به دانشگاه و آکادمی را پدید آورد (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۳۷).

درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، ساخت تولید، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، ثروت ملل) و اجتماعی (آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین امنیت اجتماعی، اشتغال) حس شود. در این راستا، سال‌هاست که سازمان‌های پژوهشی در برخی از جوامع، تنها در صورتی بودجه‌های بیشتر و یا حتی سوابق خود را دریافت می‌کنند که بتوانند تأثیرگذاری خود را در جامعه به شکل مستندی نشان دهند؛ به این معنا که با گذشت زمان، این کاربرد اجتماعی دانش حاصل از پژوهش‌هاست که هرچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (گالند^۱ و همکاران، ۲۰۱۵)؛ چراکه به‌روز و نهادینه‌شدن معضل کم‌اثری و یا بی‌اثری پژوهش‌ها به معنای ازمیان‌رفتن امکان هرگونه توسعه هماهنگ، یکپارچه و پایدار در کشور است (احمدی شاپورآبادی و گل‌سرخ، ۱۴۰۱) و البته این اثرگذاری با اثرگذاری بر سیاست‌گذاران و فرآیندهای تصمیم‌سازی بسیار درهم تنیده است. می‌توان چنین گفت که پژوهش، واجد چهار سطح متمایز اکتشاف^۲، تلفیق^۳، کاربرد^۴ و بازنوآفرینی^۵ است. هر پژوهش اولیه ساده و معمولی لازم است یک یک عنصر اکتشافی داشته باشد. نظریه‌پردازی و خلاقیت‌های عالی علمی ناشی از تحقیقات پیشرفته‌ای می‌شود که در آنها روح تلفیق وجود دارد. کاربرد دانش و فناوری از توانایی پیوند نظر و عمل حاصل می‌شود. بازنوآفرینی نیز بالاترین سطح پژوهش است که در آن صلاحیت‌های رهبری علمی در اجتماعات حرفه‌ای منشأ توسعه در چرخه‌های تولید دانش می‌شود. این چهار سطح، خطی نیستند؛ بلکه باهم مرتبط و در رفت و برگشت هستند و پیچشی حلزونی دارند. از بازخوردها و میان‌داده‌های این چرخه است که جریان زندگی علم و اثربخشی آن فعال می‌شود. حاصل این چرخه حلزونی علم، تعامل خلاق دانشگاه با واسطه‌های تأثیر اجتماعی (همچون رسانه‌ها و مراکز مشاوره و...) و از طریق آنها با جامعه، شامل سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی و نهاد‌های مدنی و سازمان‌های غیردولتی است. از حاصل چرخه حلزونی دانش، تأثیرات اجتماعی علم توسعه می‌یابد (LSE, 2016: 135) به‌نقل از فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۳۳). کنش‌های

-
1. Gauland
 2. Discovery
 3. Integration
 4. Application
 5. Professional Renewal

علمی نیاز به واسطه‌هایی دارند تا با بخش‌های مختلف مدنی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و نهادهای سیاست‌گذار عمومی هم‌کنشی سازنده داشته باشند. این واسطه‌ها شامل مواردی چون کارآفرین‌ها، سمن‌ها، مشاوران، رسانه‌های تخصصی، حرفه‌ها، کانون‌های نقد و نظر، اجتماعات خط‌مشی^۱ و مواردی از این دست هستند. از انواع ساز و کارها مانند سخنرانی در مجامع برون‌دانشگاهی، شبکه‌سازی اجتماعی، قراردادهای پژوهش و مشاوره، کنسرسیوم‌ها، فروم‌ها و مجامع و فعالیت‌های مشترک در علوم انسانی و اجتماعی برای افزایش اثربخشی اجتماعی آن بحث شده است (LSE, 2016: 135 به نقل از فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۲).

۱۰ نوع گرایش آسیب‌زا، سبب شکلی از ماند و اینرسی می‌شود و باعث کاهش امید به کیفیت و تأثیر اجتماعی مقالات علوم انسانی و اجتماعی ما می‌شود و این، اتلاف منابع ملی است: کمیت‌گرایی، صورت‌گرایی، مناسک‌گرایی، دولت‌گرایی، عرضه‌گرایی، معیشت‌گرایی، رسمیت‌گرایی، رفتارگرایی/وظیفه‌گرایی، مدیریت‌گرایی و برج‌عاج‌گرایی (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۲۶).

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که مقوله پژوهش یک هستار و مقوله اجتماعی است و نباید آن را به مثابه یک هستار زیستی در نظر گرفت. پس پژوهش ذات یا ماهیت ندارد؛ بلکه تنها می‌تواند عملکرد و اثربخشی داشته باشد. توجه به اثربخشی و نه ماهیت و ذات ناموجود پژوهش، ما را از این توهم آزاد می‌کند که اگر موانع رشد پژوهش برطرف شود، پژوهش به‌طور ذاتی رشد خواهد کرد. شاید اگر بپذیریم پژوهش باید اثربخش باشد، به ساز و کارهایی دست پیدا کنیم که ذاتی پژوهش نیست؛ اما برای پژوهش نقش‌مکنده و تنوره را دارد. شاید تقاضامحوردیدن پژوهش، به‌جای عرضه‌محوری که اغلب پژوهشگران به آن تمایل دارند، از جنس این سازوکارهای مطلوب باشد. سازوکار تنوره‌ای پژوهش می‌تواند به‌خودی‌خود مانع‌ها را از میان بردارد. پژوهشگران و ساختارهای پژوهشی که در معرض سازوکارهای مکشی و تنوره‌ای قرار می‌گیرند، در هر حال راه خود را بازمی‌کنند و به توسعه پژوهش می‌پردازند (منصوری، ۱۳۸۴: ۶۰).

نکته مهم دیگر اینکه از جمله مواردی که بر تأثیرگذاری پژوهش مؤثر است، در نظر گرفتن آینده و توجه به آن و مطالعات آینده‌پژوهی پژوهش است. پژوهش یک

فعالیت ذاتاً آینده‌محور است. کاربرد و تأثیر پژوهش‌های پیشین در زمان فعلی، جهت‌گیری آینده‌محور پژوهش‌های بعدی را تشدید می‌کند؛ حتی اگر بازه زمانی‌ای که بر روی آن تأثیر می‌گذارند، کوتاه باشد. زمینه‌ها و بازه زمانی تأثیر تحقیقات دانشگاهی، تغییرات قابل توجهی در نحوه اجرا و تأمین مالی این تحقیقات به وجود می‌آورد. پژوهش به‌عنوان فعالیتی آینده‌محور، بر تغییر دانش و ایجاد نتایج متفاوت برای آینده تمرکز دارد. کاربرد نتایج پژوهش‌های پیشین در حال حاضر، زمینه‌ساز جهت‌گیری‌های آینده‌محور در پژوهش‌های بعدی است. مفهوم آینده، جایگاه ویژه‌ای در نحوه تأثیر پژوهش‌های دانشگاهی دارد. سواد آینده، شاخص مهمی در تأثیرگذاری پژوهش‌هاست. سواد آینده، بر مهارت‌هایی مانند تفکر پیش‌بینی‌کننده و چشم‌انداز آینده متمرکز می‌شود که اکنون در بسیاری از حوزه‌های دانشگاهی، به‌ویژه در برنامه‌های آموزشی مسئولانه و نهادهای رهبری پایدار، ارزشمند شمرده می‌شود. چارچوب سواد آینده می‌تواند به توسعه تأثیر تحقیقات به‌عنوان یک ویژگی تحول‌آفرین در دانشگاه‌ها کمک کند. این چارچوب به افراد اجازه می‌دهد از طریق توسعه هدفمند تحقیقات آینده‌نگر، از آینده برای آشکارسازی (تبدیل دانش ضمنی به صریح و ایجاد فرضیات در مورد آینده صریح)، بازنمایی (شناسایی موقعیت‌ها و بینش‌های کلیدی) و تجدید نظر (آگاهی از تفاوت‌های ظریف، مسائل و چارچوب‌های جدید) استفاده کنند (شیخ‌شعاعی، ۱۴۰۱).

برخی عوامل مؤثر در تأثیرگذاری پژوهش‌ها عبارتند از ارتقای قابلیت‌های میان‌رشته‌ای، درگیری در فعالیت‌ها و خدمات آکادمیکی مثل عضویت در هیئت‌تحریریه‌ها، شرکت در کنفرانس‌ها و مشارکت در اجتماع علمی، تعاملات در خطوط اتصال تأثیرات^۱ (اتصالات از طریق مؤسسات و نهادهای واسط و میانجی^۲ در علم به وجود می‌آیند و بسیار مهم‌اند مثل مراکز مشاوره، اندیشگاه‌ها، رسانه‌ها و...)، تعاملات بیرونی اعضای هیئت علمی با جهان کار و جهان اجتماعی و فرهنگی و مدنی (مثل مشاوره‌دادن به کسب‌وکار، سخنرانی در شبکه‌های مختلف اجتماعی و مدنی، ارتباط از طریق دانشجویان، گرفتن پروژه‌های انتفاعی و غیرانتفاعی و همکاری با رسانه‌ها). پژوهشگران نیز می‌توانند با تقویت توانایی‌های ارتباطی، تجربه‌اندوزی،

1. Impact Interface
2. Intermediary

خودمطالعه‌گری، خودارزیابی و خودمستندسازی، مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، تسلط به زبان‌های واسط بین‌المللی، توسعه دانش ضمنی، مداخلات و خلاقیت‌های مدیریت و رهبری علمی، اصلاح فرآیندها و شیوه‌های انجام کار، سنخ‌شناسی و تعریف گروه‌های هدف و تعیین نیازها و تقاضاها در فعالیت‌های پژوهشی (فراستخواه، ۱۳۹۹: ۳۳۴-۳۳۶)، با ارتقای وضعیت خودشان در افزایش تأثیر پژوهش‌هایشان سهمی ایفا کنند.

درنهایت لازم است به بحث‌های اخلاقی تأثیرات پژوهش‌ها نیز توجه شود؛ چراکه اثرگذاری تحقیقات می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. بسیاری از نتایج تحقیقات، پیامدهای ناخواسته‌ای خواهند داشت. ایده تحقیق و نوآوری مسئولانه بر این انتظار اجتماعی تأکید می‌کند که تحقیقات و به‌ویژه مداخلات نوآوری در جهان، باید به‌گونه‌ای انجام شود که از آسیب جلوگیری کند یا آن را به حداقل برساند. کلید این مدیریت مخاطره، تلاش برای گنجاندن دیدگاه‌های متفاوت، چه در سطح پروژه و چه در سطح راهبرد در مقیاس بزرگ، است (شیخ‌شعاعی، ۱۴۰۱).

۲. کاربست یافته‌های پژوهشی و موانع آن

تأثیرگذاری پژوهش با کاربست پژوهش ارتباط زیادی دارد. کاربست عبارت است از انتقال یافته‌های پژوهشی به عرصه عمل و به‌عبارتی، کاربردپذیری یافته‌های پژوهشی (هادو و کلویس، ۲۰۰۷) درون نظام پیچیده‌ای از روابط میان پژوهشگران و کاربران (جاکوبسون، باتریل، گئورینگ، ۲۰۰۴: ۲۴۷)؛ در این تعریف، کاربران عبارتند از پژوهشگران سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران (مدیران و مسئولان) و بخش خصوصی. در کنار مفهوم کاربست، مفاهیم دیگری مانند انتشار^۱، اشاعه^۲ و کاربرد^۳ نیز مطرح است (تترو، گراهام، فوی و همکاران، ۲۰۰۸). در تلاش‌های انفعالی و برنامه‌ریزی‌شده، مسئولیت اصلی در جستجوی اطلاعات برعهده کاربر بالقوه است؛ درحالی‌که اشاعه، فرآیند فعالی برای گسترانیدن پیام است که شامل هدف‌گذاری و سازماندهی شواهد و پیام‌ها به مخاطب موردنظر می‌شود. هرچند تأکید این تعریف بر

1. Defusion
2. Dissemination
3. Implementation

فرآیند است؛ اما برخی اعتقاد دارند اشاعه می‌تواند هم به‌عنوان فرآیند و هم به‌عنوان پیامد در نظر گرفته شود (الیوت، الوقلین، رابینسون و همکاران، ۲۰۰۳). کاربرد، فرآیند فعال‌تری است که شامل تلاش‌های منظم برای تشویق دریافت‌کنندگان شواهد پژوهشی از طریق مشخص کردن و غلبه بر موانع است (کبیری، ۱۳۸۸).

آلبسون، مک‌لئود، وودساید، رابرتسون و لایوس برای بحث در مورد راهبرد انتقال دانش پنج سؤال اساسی را مطرح کردند که عبارتند از: چه چیزی باید به تصمیم‌گیران انتقال یابد؟ (پیام)؛ دانش پژوهشی باید به چه کسی انتقال یابد؟ (مخاطبان پیام)؛ دانش پژوهشی باید توسط چه کسانی انتقال یابد؟ (پیغام‌رسانان)؛ دانش پژوهشی چگونه انتقال می‌یابد؟ (فرآیندهای انتقال دانش) و دانش پژوهشی با چه اثری انتقال می‌یابد؟ (ارزشیابی).

عوامل متعددی در استفاده از یافته‌های پژوهشی نقش دارند که عبارتند از: نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، ایجاد ارتباط نزدیک و مستمر بین محققان و مجریان، ارزشیابی میزان اثربخشی و سودمندی نتایج تحقیقات، تقویت و رشد شایستگی‌های علمی محققان، ایجاد نظام اطلاع‌رسانی مناسب، تأسیس بانک اطلاعاتی، رشد فرهنگ پژوهشی، ایجاد دوره‌های آموزشی، ایجاد کمیته اشاعه و کاربست پژوهشی، ترغیب و تشویق پژوهشگران، از بین بردن شکاف بین محققان و تصمیم‌گیران، مدیریت مناسب پژوهشی، تقویت بینش پژوهشی در مدیران، دسترسی به موقع به نتایج تحقیقات، از بین بردن کنترل‌های خشک اداری، تقویت روحیه واقع‌بینی، برگزاری جلسات هم‌اندیشی، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و فعال کردن مراکز پژوهشی (حسن‌زاده، ۱۳۸۳).

تنوع مدل‌های کاربست‌پذیری به پیش‌فرض‌های متفاوت آنها در مورد نظام منابع (مواردی که دانش را به وجود می‌آورند) و نظام کاربر (مواردی که دانش را به کار می‌برند) مربوط می‌شود. در به‌کارگیری محدود نتایج حاصل از پژوهش‌ها نیز دو دیدگاه منع ماهیتی و منع مدیریتی وجود دارد؛ دیدگاه منع ماهیتی، توصیه‌های سیاستی منتج از یافته‌های پژوهشی را فاقد ویژگی‌های لازم برای اجرا می‌داند و دیدگاه منع مدیریتی، اثربخشی پایین توصیه‌های سیاستی پژوهش و تحقیقات را به امتناع عدم پذیرش و فقدان آمادگی در بخش‌های اجرایی و سیاست‌گذاری نسبت می‌دهد (احمدی شاپورآبادی و گل‌سرخ، ۱۴۰۱).

در ادبیات جهانی، موانع کاربست یافته‌های پژوهشی در مواردی چون انسانی؛ شامل شایستگی‌های علمی پژوهشگران و مقاومت مدیران در برابر تغییرات؛ ارتباطی؛ نیاز به سیستم اطلاع‌رسانی جامع برای تعامل بین مدیران، کارکنان و آخرین یافته‌های پژوهشی؛ سازمانی؛ مشکلات مربوط به گردش کار اداری و موانع سلسله‌مراتبی در پیشرفت پیشنهادهای پژوهشی؛ روش‌شناختی؛ ارزیابی اینکه آیا تحقیق به حل مسئله‌ای اساسی کمک می‌کند و تفاوت‌های آن با مطالعات گذشته و ارزش افزوده جدید آن و درنهایت اجتماعی-فرهنگی؛ تناسب تحقیق با بافت و زمینه اجتماعی و فرهنگی محیط، دسته‌بندی می‌شوند (فلامن، ۱۹۹۶ و موریسون، ۲۰۰۲، به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۸).

اما عدم ارتباط منطقی میان پژوهش و فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا در ایران به دلیل محدودیت‌های مرتبط با منابع و اعتبارهای پژوهشی از یک سو و جوان بودن قلمرو پژوهش‌ها از سوی دیگر، جدی‌تر است. براساس گزارش شورای پژوهش‌های علمی کشور، موانع تحقیقات و نوآوری عبارتند از: موانع مربوط به مدیریت، سیاست‌گذاری و نظام تحقیقات؛ موانع مربوط به فرهنگ تحقیق؛ موانع مربوط به محققان؛ موانع مربوط به فضای استاندارد علمی و تحقیقاتی؛ موانع مربوط به قوانین و مقررات پژوهشی؛ موانع مربوط به بودجه تحقیقات و امکانات تحقیق؛ موانع به کارگیری نتایج تحقیق، که مورد آخر؛ یعنی موانع به کارگیری نتایج تحقیقات که موضوع اصلی پژوهش حاضر است، در ۷ مورد خلاصه می‌شوند: بی‌توجهی و بی‌اعتمادی مدیران نسبت به یافته‌های پژوهشی، واقع‌بینانه نبودن نتایج تحقیق، وجود اختلاف نگرشی میان پژوهشگران و سطوح اجرایی کشور، عدم احساس نیاز به پشتوانه پژوهشی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور، تأخیر در فرآیند اجرای طرح‌های پژوهشی و عدم ارائه نتایج در زمان تصمیم‌گیری‌ها، فقدان الزامات و تضمین‌های لازم برای به کارگیری نتایج تحقیق در کشور و نامشخص بودن نتایج تحقیقات و عدم بهره‌گیری از آنها (درودی، ۱۳۹۹).

۳. رویکردهای مسئله‌محور

مسئله‌محور بودن پژوهش ویژگی خاصی است که آن را از پژوهش‌های سؤال‌محور جدا می‌کند. این روش، حاوی فنون و تکنیک‌هایی است که از تشخیص مسئله شروع می‌شود و تا ارائه راهبرد و راهکار تداوم می‌یابد. مهم‌ترین خصیصه روش

تحقیق مسئله‌محور راهبردگرا، تلاش برای حل مسئله در جامعه و کاربردی‌بودن آن است (دشتی، ۱۳۹۹: ۲۳). مسئله‌محوربودن پژوهش‌ها و تفکر علمی می‌تواند به پیشرفت علم و حل مسائل موجود در جامعه کمک کند. به‌تعبیر پوپر، مسائل نقطه آغاز علم هستند (پوپر، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

لازمه شکل‌گیری مسئله این است که در بنیادهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تأملاتی انتقادی صورت گیرد (توفیق، ۱۳۹۵). مسئله‌شناسی افق فکری و رویکردی نظری است که در تمام فرآیند اندیشه هدایت‌کننده محقق است. یکی از گمراهی‌های مهم، تقلیل‌دادن فرآیند اندیشه‌ورزی به مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌هاست (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۱۱). تفکر مسئله‌مند، فعالیتی فرارشته‌ای و کاملاً نظری است که از درون شخصیت و منش محقق نشأت می‌گیرد. تفکری که مسئله‌محور است، نظر و عمل را با هم ادغام می‌کند و بر این اساس، بحث در مورد شیوه و عملکرد مسئله در فرآیند اندیشه و پژوهش از دیدگاه مسئله‌شناسانه^۱ مطرح می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۹: ۳۷۰). به‌عبارتی، پژوهش مسئله‌محور، نوعی پژوهش نسبتاً آزاد است که بر پایه منابع گسترده‌ای از دانش میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای استوار است و در آن، پژوهشگران از پیش‌بینی و پیش‌طراحی پاسخ‌ها در قالب فرضیه‌ها یا سؤالات پرهیز می‌کنند و تمرکز خود را بر طرح ابعاد مختلف مسئله معطوف می‌دارند. این پژوهش‌ها با ابهامات زیادی آغاز می‌شوند، از پارادایم‌های تقلیدی اجتناب می‌کنند و براساس اولویت نیازها و ضرورت‌ها شکل می‌گیرند (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۸). به‌تعبیر دیگر، پژوهش مسئله‌محور «علم»، «فن» و «هنری» است برای کشف و بیان حقایق و انتقال تحلیل‌ها، دانش‌ها، عقاید و حل مسائل. اینکه پژوهش و نویسندگی از یک جنبه علم محسوب می‌شود به‌این دلیل است که دارای اصول و قواعدی برای کشف واقعیت‌هاست. اگر آن را فن به‌حساب می‌آوریم به این دلیل است که گزاره‌ها و آموزه‌های علمی را در عمل به‌کار می‌گیرد و عرصه‌ای است که در آن، نظریات علمی کاربردی می‌شوند و هنر است، چون نتایج این علم و فن را باید به‌شیوه‌ای جذاب و مخاطب‌پسند تدوین و ارائه کرد. همه پژوهش‌ها و نوشته‌های علمی باید سهمی از این سه مؤلفه داشته باشند تا مورد توجه جامعه علمی، مخاطبان عمومی و کارگزاران دولتی قرار بگیرند و در حل مسائل علمی و اجرایی مؤثر واقع شوند (دشتی، ۱۳۹۹: ۲۸).

در مجموع، مسئله‌محوری^۱ به معنای تمرکز بر شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است تا اینکه صرفاً بر خودِ وضعیت موجود یا مطلوب تمرکز کند. نتیجه مسئله‌محوری، تمرکز بر مسائل خاص و محوری و هماهنگ‌سازی راهبردهای اتخاذشده با آن مسائل است که معمولاً سازمان‌های عمومی برای پرداختن به آنها تشکیل شده‌اند. مسئله‌محوری به تمرکز ظرفیت‌های کل سازمان بر مأموریت اصلی آن منجر شده و در نتیجه، کارایی و اثربخشی سازمان را افزایش می‌دهد. مسئله‌محوری مبنایی برای تحقق یادگیری سازمانی^۲ در استراتژی مکتب یادگیری^۳ است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷).

از جمله ویژگی‌های رویکرد مسئله‌محور، سیاست‌گذاری نرم‌افزاری در مقابل سیاست‌گذاری سخت‌افزاری؛ یا سیاست سخت در برابر سیاست آسان است. در سیاست‌گذاری سخت‌افزاری (مثل ساخت مدرسه)، با مشکل انواع تعارض منافع از قبیل تعارض منافع ملی با منافع سایر کشورها، اقلیت با یکدیگر، بخش‌های مختلف اقتصادی، مناطق، اقوام با یکدیگر و با دولت مرکزی، بین‌نسلی و سازمانی مواجه نیستیم؛ اما در سیاست‌گذاری نرم‌افزاری (برای مثال، اصلاح نظام بانکی، نظام بودجه شفاف، ارتقای کیفیت نظام سلامت و آموزش)، برخورد با تعارض منافع و چالش‌های پیچیده مدیریتی و سیاسی مدنظر است. این نوع سیاست‌گذاری، بیشتر شبیه سفری اکتشافی است که در آن، مسائل متغیر و چالش‌برانگیزی وجود دارد که اصلاح وضعیت جوامع در گرو هماهنگ‌ساختن این منافع متعارض است. همچنین ویژگی دیگر، تلاش برای حل مشکلات و کسب احتمالی موفقیت به جای تظاهر به موفقیت است. ساختن پل‌های کاذب به جای واقعی و تظاهر به موفقیت، بیماری فراگیر سازمان‌ها و مسئولان در بسیاری از کشورهاست. مسئولان و سازمان‌های تابعه‌شان می‌توانند با هدف کسب مشروعیت به جای حل مسئله، سند برنامه بنویسند، شاخص‌های اجرا تدوین کنند، همایش برگزار کنند و ده‌ها کار نمایشی دیگر انجام دهند (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۴).

همچنین مسئله‌شناسی چهار کارکرد تشخیصی، گفت‌وگویی، انسانی و مدیریتی دارد. کارکرد تشخیصی به شناسایی و تعریف واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی

1. Problem orientation
2. Organizational Learning
3. Learning Strategy School

به‌عنوان مسائل کلیدی کمک می‌کند؛ کارکرد گفت‌وگویی به فهم عمیق‌تر نیازها، ضرورت‌ها و وضعیت کنونی جامعه منجر می‌شود. کارکرد انسانی به تقویت ابعاد شناختی و ارتباطات انسانی کمک می‌کند و کارکرد مدیریتی نقش مهمی در سامان‌دهی و سازمان‌دهی جامعه ایفا می‌کند (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۰۳-۱۹۲).

در پژوهش مسئله‌محور باید چند بعد یا محور مورد بررسی قرار گیرند؛ از قبیل: تشریح، توصیف مسئله و ابعاد آن (وضعیت‌شناسی مسئله)؛ پیامدها و آسیب‌های نشأت‌گرفته از مسئله؛ دلایل، عوامل و زمینه‌های بروز مسئله و تعیین گره اصلی یا عوامل اصلی مسئله؛ راهبردها و راهکارهای حل مسئله (دشتی، ۱۳۹۹: ۵۳). به این ترتیب، پژوهش مسئله‌محور راهبردگرا، پژوهشی است برای رسیدن به وضع مطلوب که با شناخت دقیق وضعیت فعلی مسئله/مسائل و دلایل اصلی بروز آنها، در پی ارائه راهبردها، الگوها و طرح‌های کاربردی برای دستکاری واقعیات با وضع موجود است (دشتی، ۱۳۹۹: ۵۶).

نکته مهم در مسئله‌شناسی و تعریف مسئله، فهم موقعیت مسئله در یک شبکه پیچیده معنایی و در ارتباط با مسائل دیگر است. بهترین راه برای کشف رابطه‌ها و تأثیر و تأثر موضوعات مختلف یک مسئله بر یکدیگر، نظام‌واره مسائل است. نظام‌واره مسائل کمک می‌کند تا با فهم میزان و جهت اثرگذاری مسائل بر یکدیگر، وزن مسائل سنجیده شده و رابطه علت و معلولی و جایگاه و سطوح آنها با فرآیندهای خاص مشخص و در لایه‌های چهارگانه رونمایی، میانی، اصلی و ریشه‌ای چیده شوند. مراحل ترسیم نظام‌واره مسائل عبارتند از احصای مسائل؛ تجمیع، ترکیب، تنقیح و تدقیق مسائل؛ اولویت‌بندی مسائل براساس معیارهای علمی و ترسیم نظام‌واره مسائل (دشتی، ۱۳۹۹: ۹۱-۸۷). چون پژوهش درباره مسائل، در گرو یافتن مسائل موجود در آن حوزه است، ابتدا آسیب‌ها، عوامل و موانع مؤثر در اختلال سیستم و بازدارنده از حرکت به سمت هدفی که قبلاً شناسایی شده‌اند، براساس معیار حوزه اثرگذاری ارزیابی شده و مواردی که در چند حوزه اثرگذارند، انتخاب می‌شوند؛ سپس متخصصان این موارد را با انواع روش‌ها اولویت‌بندی کرده و پس از سنجش روایی نتایج، اولویت‌بندی‌ها نهایی می‌شوند (دشتی، ۱۳۹۹: ۱۱۸).

به‌لحاظ نظری و فلسفی نظریه‌پردازی چون فوکو، پوپر، گادامر و مه‌یر به این بحث پرداخته‌اند. فوکو در بحث مسئله‌مندسازی، معتقد است وظیفه اصلی هر متفکری در حوزه علوم انسانی چیزی جز مسئله‌مندکردن نیست. از نظر او، مسئله

سازه‌های اجتماعی و گفتمانی و برآیند موقعیت تاریخی معینی است. در بحث فوکو از مسئله‌مندی به دو موضوع مسئله‌مندسازی همچون کردار (اشاره به فرآیندی تاریخی-گفتمانی) و شأن واقعی و عینی آن و مسئله‌مندسازی همچون دانش (تبدیل موضوع مسئله‌مندشده به ابژه شناخت برای فاعل شناسای مشخص) و شأن معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه آن، اشاره می‌شود. از نظر پوپر، سازوکار اندیشه علمی مبتنی بر الگویی است که اندیشیدن از طرح مسئله آغاز می‌شود. در اینجا چیزی به صورت مسئله‌ای قابل توجه باعث حیرت، شگفتی یا دغدغه ما می‌شود. پوپر این وضعیت را «موقعیت مسئله^۱» می‌نامد. از نظر پوپر، تجربه‌ها، مشاهدات و تداعی‌های ذهنی ما نیست که برای ما مسئله ایجاد می‌کنند؛ بلکه این مواجهه فعال و خلاق و انتقادی ما با موقعیت معین است که ما را به اندیشه‌ورزی و مسئله‌سازی ناگزیر می‌کند. پوپر نشان می‌دهد که اندیشه علمی نه از مشاهدات سطحی؛ بلکه از درگیری عمیق با مسئله‌های پیچیده شروع می‌شود. گادامر و اصحاب هرمنوتیک معتقدند که مسئله شکلی از فهم و روش دستیابی به آن، تفسیری است. در این دیدگاه، فهم بیش از آنکه حاصل روش باشد، نتیجه مشارکت، گشودگی، تجربه و دیالکتیک است. اینجا فهم مسئله دقیقاً در برابر رویکرد حل مسئله و مسئله‌مندسازی قرار می‌گیرد. از دیدگاه گادامر، فهمیدن نوعی رخداد^۲ درونی و ذهنی است. به تعبیری دیگر، گادامر فهم را نه امری روشی؛ بلکه کنشی تأویلی و هرمنوتیک^۳ می‌داند. در واقع گادامر از میان سه نوع فهم معرفت‌شناسانه، فهم عملی و فهم توافقی، بر نوع سوم تأکید دارد که افراد از راه گفت‌وگو به آن می‌رسند. در این گفت‌وگوهاست که آمیزش افق‌ها^۴ رخ می‌دهد و فهم تازه‌ای متولد می‌شود. گادامر این مواجهه مسئله‌محور در تفسیر متن یا فهم افق دیگری را کاربرد یا اطلاق کردن^۵ می‌نامد. منظور گادامر این است که فهم با موقعیت انضمامی فرد ربط دارد و امر فراتاریخی نیست. به عبارتی، مجموعه ویژگی‌های لازم برای فهمیدن از نظر گادامر عبارتند از: زمان‌مندی (فهمیدن به‌طور اجتناب‌ناپذیری در ساحت سنت صورت

-
1. Problem Situation
 2. Event
 3. Hermeneutic
 4. Fusion of Horizons
 5. Application

می‌گیرد)، زبان‌مندی (زبان نقشی ساختاری در فهمیدن‌ها و مسئله‌مندی‌ها دارد)، موقعیت‌مندی یا درجهان‌بودن (ارتباط با جغرافیا و مکان و بودن). از نظر مه‌یر، مسئله تنها به معنای مشکل یا مانع نیست؛ بلکه هر چیزی که کنش ما را بطلبد، مسئله است. مواردی مانند وظایف، اقدامات، دردها و سایر جنبه‌های زندگی. از نظر او، مسئله‌ها به طور عمیقی با وجود و شاکله انسانی مرتبط هستند. عمل کردن در برابر مسئله‌ها از نظر مه‌یر چیزی نیست جز درگیر شدن با نوعی پرسش‌گری مداوم و تلاش برای پاسخ‌دادن به پرسش‌ها و مجدداً پاسخ‌های داده‌شده را به پرسش تازه تبدیل کردن. در همه این رویکردها، مسئله معطوف به خواسته، نیاز و نوعی درگیری انسانی تعریف می‌شود. همه رویکردها بر اهمیت و نقش مسئله در فرآیند اندیشه و زمینه اجتماعی تکوین یافتن آن، ماهیت انتقادی آن، اهمیت نقش فرد اندیشمند و منش خاص او در فرآیند صورت‌بندی نظری مسئله و بر ضرورت توجه به شکل‌های اصیل و کاذب طرح مسئله اتفاق نظر دارند. براساس رویکردهای مطرح‌شده می‌توان درگیری ارزشی و خنثی‌نبودن ماهیت مسئله‌شناسی، ماهیت میان‌فرارشته‌ای مسئله و مسئله‌شناسی، ماهیت برساختی و تفسیری مسئله و مسئله‌شناسی را پذیرفت و استنباط کرد (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۴۸-۲۱۴).

۴. گزارش‌های سیاستی

گزارش یا یادداشت سیاستی^۱ نوشته‌ای است که در آن، نتایج یک پژوهش و توصیه‌هایی برای حل یک مسئله آمده باشد. هدف از نگارش یک یادداشت سیاستی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری، ارائه خلاصه‌ای کوتاه در مورد یک مسئله خاص و بیان گزینه‌های موجود است. این یادداشت‌ها اغلب بر روی بیان یک تجویز جهت درمان یک مسئله تمرکز می‌کنند. در یادداشت سیاستی تلاش می‌شود مخاطب هدف بر درست بودن موضع و راه‌حل‌های ارائه‌شده متقاعد شود؛ به همین دلیل، بیان شواهد و مستندات و تأکید بر آنها در یادداشت سیاستی بسیار حیاتی است (تاجیک، ۱۴۰۰). به‌طور کلی، گزارش‌های سیاستی به دلیل ماهیت مستقل کار محققان سیاست‌گذاری، بیشتر دارای رویکردی مسئله‌محور و ارزش‌محور هستند (درودی، ۱۳۹۹). در واقع، زبان گفت‌وگوی میان پژوهشگر و سیاست‌گذار توصیه سیاستی

است. این دو بدون شناخت و درک متقابل از یکدیگر قادر به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و اثربخش جهت حل مشکلات موجود در دنیای واقعی نخواهند بود (غلامی، ۱۳۸۳). فرمول سیاستی، نگاشت از واقعیات به اقدامات کارگزاران یک سازمان است. این فرمول از واقعیات یا شرایط یا اوضاع جهان تا اقدامات عاملان، اغلب همان چیزی است که به عنوان خط‌مشی توصیف می‌شود. یک فرمول سیاستی یعنی نگاشتی که در آن، دامنه «واقعیات» و بُرد «اقدامات ازسوی یک عامل در یک سازمان» است. چون فرمول سیاستی نگاشتی از واقعیات به اقدامات است، یک سیاست باید مشخص کند که واقعیات مرتبط اداری فرمول (دامنه) چگونه تعیین می‌شوند و در صورت لزوم مورد داوری قرار می‌گیرند (اندروز، ۱۳۹۸). عناصر کلیدی گزارش‌های سیاستی کارآمد عبارتند از اهمیت درک بافت سیاستی در طراحی پژوهش و انتقال اطلاعات، ضرورت ارائه شواهد با کیفیت و تأکید بر انتقال یافته‌های کلیدی توسط یک پیام‌رسان معتبر و بانفوذ و ارزش تقویت پیوندها و ارتباط فعالانه بین سیاست‌گذار و پژوهشگر به منظور تضمین اینکه نتایج پژوهشی بخشی از یک دیالوگ مستمر هستند (درودی، ۱۳۹۹).

لازم به ذکر است گزارش‌های سیاستی ماهیت متفاوتی با تحقیقات دانشگاهی دارند. در گزارش‌های سیاستی برخلاف تحقیقات دانشگاهی، ارتباط میان مسئله و راه‌حل آن نقشی محوری دارد و این رابطه، انگیزه اصلی تدوین گزارش‌های سیاستی را به عنوان سندی آشکارا هدفمند و در راستای توجیه یک گزینه سیاستی مشخص، تشکیل می‌دهد (درودی، ۱۳۹۹).

فارغ از راهکارهایی که تا به امروز در سطح دولت‌ها برای بهینه‌سازی تصمیمات آنها صورت گرفته، اسناد سیاست‌پژوهی یکی از راهکارهای اساسی در تجربه سیاست‌گذاری کشورهای توسعه‌یافته است. در واقع، سیاست‌پژوهی استفاده از پژوهش در امر سیاست است که به موجب آن، پژوهش‌ها کاربردی شده و ارتباط بین رشته‌های آکادمیک و بخش‌های دولتی سیاست‌گذاری گسترش می‌یابد. گزارش‌های سیاستی ابزار بسیار قدرتمندی هستند که می‌توانند به چند منظور در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به کار گرفته شوند. در حیطه مطالعات راهبردی، هدف بسیاری از گزارش‌هایی که منتشر می‌شوند، اثرگذاری بر متخصصان سیاست‌گذاری دیگر یا اتاق‌های فکر است و به دنبال آگاه‌سازی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خود هستند (یانگ و کوئین، ۱۳۹۵: ۱۸).

۵. توانمندسازی حکومت‌ها

یکی از موضوعات مهم در بحث پژوهش تأثیرگذار، موضوع دولت و میزان ظرفیت و توانایی آن برای بهره‌بردن از نتایج پژوهش‌هاست. سیاست‌گذاری خواه در پشت پرده یا در یک مجلس قانون‌گذاری، یک سازمان یا یک جامعه رخ دهد، به‌هر شکل یک فرآیند سیاسی است. باید حمایت را ایجاد و مخالفت را خنثی کرد. به‌این‌منظور باید درمیان افراد مختلف دربارهٔ حقایق بحث و برای تهدیدات، دلیل ارائه کرد و در سطوح سازمانی و نهادی، متحدان را بسیج کرد (بادیک و پاتاشنیکف ۱۳۹۹: ۱۸۱). از جمله عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری عبارتند از تجربه و کارشناسی، واقع‌بینی و احتمالات، توانایی قضاوت، منابع، محتوای سیاست، لایست‌ها، گروه‌های فشار، رویه‌ها، ارزش‌ها و سنت‌ها (درودی، ۱۳۹۹).

بنابراین، بحث توانمندسازی یا افزایش قابلیت‌های حکومت و ساختار تصمیم‌گیری اهمیت پیدا می‌کند. منظور از توانمندسازی حکومت، افزایش قابلیت‌های اجرایی مجموعهٔ دولت است. توسعه، غیراز وجوه شناخته‌شدهٔ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، وجه دیگری نیز دارد که نامش توسعهٔ اجرایی است. پیشبرد همهٔ وجوه توسعه در گرو پیشرفت در این وجه است. ضعف دولت، یک مسئلهٔ محوری است که باید در کانون توجه و تحلیل قرار بگیرد. در دولت ضعیف نه رشد اقتصادی بیشتر، نه جامعهٔ مردم‌سالار و نه برابری اجتماعی ممکن است. به‌تعبیر فوکویاما، اولین و مهم‌ترین نهاد ضروری برای توسعهٔ کشورها، یک دستگاه اداری لایق است. در غیاب یک نظام اداری منضبط، دموکراسی به حامی‌پروری و فساد منتهی می‌شود. به‌تعبیر وبر، نظام اداری، قفس آهنینی است که وجودش برای ورود به دنیای مدرن ضرورت دارد. بنابراین، توانمندسازی حکومت از دو طریق افزایش قابلیت‌های اجرایی دولت از طریق توصیه‌های سیاستی و اجرایی و توسعهٔ اجرایی از طریق تقویت فرآیندها و ساختارهای تصمیم‌گیری محقق می‌شود (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱-۲۸).

پنج سطح قابلیت برای حکومت وجود دارد که عبارتند از قابلیت آرمانی: بهترین اقدام ممکن و در دسترس و در نتیجه بهترین دستاورد سیاستی؛ قابلیت ناشی از پایبندی به سیاست: عاملان دقیقاً آن کاری را انجام می‌دهند که فرمول سیاستی تجویز کرده است؛ قابلیت واقعی: آن چیزی که در صحنهٔ عمل و هنگامی که عاملان

خود دست به تصمیم‌گیری می‌زنند، روی می‌دهد؛ قابلیت صفر: وقتی که اساساً هیچ سازمانی وجود ندارد و قابلیت منفی: چون حکومت واجد قابلیت اعمال زور است، سازمان‌های حکومتی می‌توانند با تحمیل تکلیف بدون وجود منافع متناظر، دست به سوءاستفاده از شهروندان خود بزنند و وضع اقتصادی آنها را به‌طور مطلق بدتر کنند (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

در چالش‌های مرتبط با ایجاد قابلیت‌های پیچیده در حکومت، مسائل به‌عنوان نقاط ورود مهم‌اند. می‌توان با برساخت مسائل، شکافتن آنها و سپس اعمال گام‌بندی مسئله‌محور، در عمل از مسائل برای هدایت فرآیندهای توانمندسازی حکومت بهره گرفت. لازم است به‌جای راه‌حل‌های ازپیش‌تعیین‌شده، مسائل واقعی جامعه را محور قرار داد. باید از یک‌سو سیاست‌گذاری مقلدانه را نقد کرد و ازسوی دیگر، سیاست‌گذاری مسئله‌محور را پی‌گرفت. اندروز^۱، پریچت^۲ و وولکاک^۳ این رویکرد جایگزین را «رویکرد انطباق رفت و برگشتی مسئله‌محور»^۴ نامیده‌اند. در این روش، راه‌حل و مدل بهینه با آزمون و خطا کشف می‌شود و مدل‌ساز با کارآزمایی‌های مختلف به راه‌حل صحیح دست می‌یابد. این شیوه، سیاست‌گذاری را نیازمند آزمون‌های مکرر می‌داند، نه راه‌های ازپیش‌تعیین‌شده و تقلیدشده از کشورهای دیگر که مقدمات سازمانی، انسانی و سیاسی آن فراهم نیست (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲). در این فرآیند، سیاست‌گذاری مانند سفرهای اکتشافی بسیار سخت و مشقت‌بار است، برای مسئله‌های بومی به‌دنبال راه‌حل‌های بومی و خاص است، منتظر اختیارات کامل نیست و به این موضوع توجه دارد که در سازمان‌های دولتی رأس هرم دارای اختیارات کامل نیست و قدرت در سطوح مختلف توزیع شده است. نکته مهم در این بین، اهمیت محیط اختیاردهی، ساختارهای اختیاردهی، تعارض منافع و ساختارهای تصمیم‌گیری است که هر کدام در جای خود اهمیت دارند و اعمال مدیریت مناسب در این زمینه‌ها می‌تواند برای اثربخشی سیاست‌گذاری‌ها مؤثر باشد (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱).

-
1. Andrews
 2. Pritchett
 3. Woolcock
 4. PDIA

۶. حکمروایی دانش‌بنیان

موضوع دیگر، به‌ویژه باتوجه به شرایط زمانی، حکمروایی دانش‌بنیان است که در بحث اثربخشی پژوهش‌ها اهمیت دارد. دانش را می‌توان به دو نوع صریح و ضمنی تقسیم‌بندی کرد. دانش ضمنی درمقابل دانش صریح که دستورالعمل‌ها، قوانین، رویه‌های انجام کار، آیین‌نامه‌ها، شرح جزئیات و مواردی از این دست را دربر می‌گیرد، شخصی است و فرموله کردن آن دشوار به‌نظر می‌رسد. این‌نوع دانش که بااستفاده از تسهیم تجربیات با مشاهده و تقلید به‌دست می‌آید، ریشه در اعمال، رویه‌ها، ارزش‌ها و احساسات افراد دارد، قابل کدگذاری نیست و ازطریق یک زبان مخابره نمی‌شود. بااین‌حال، در مطالعات بسیاری ثابت شده است که مدیریت دانش ضمنی می‌تواند با ارتقای عملکرد کارکنان و توانایی‌های سازمانی بر عملکرد سازمان تأثیرگذار باشد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۸). درمجموع، هم اطلاعات و هم دانش ضمنی (به‌عبارتی، کلیت کوه یخ) در پشتیبانی از صفت دانایی برای جامعه قرار دارند؛ درعین‌حال، هیچ‌کدام از آن دو، به‌تنهایی کار را انجام نمی‌دهند. ماهیت جامعه دانایی که حکمروایی دانش‌بنیان را درپی دارد، مبتنی بر لزوم توسعه دانش است و توسعه دانش یعنی ایجاد معنای جدید. در برخی کشورها و در برخی بسترهای اجتماعی، تجربه‌های جدیدی در تولید انبوه «معنای جدید» به‌انجام رسیده که در اثر آن، به ذخیره اطلاعات و دانش ضمنی افزوده شده و از این راه خطوط جدیدی برای تولید انبوه دانش ایجاد شده است. این جریان باعث علاقه و توجه بیشتر به دانش به‌عنوان عاملی برای رشد و توسعه شده است و به‌این‌ترتیب، اقتصاد دانایی‌محور و جامعه دانایی خلق شده و به اقتصادهایی که دستکاری در اطلاعات و خلق دانش جدید را درپیش گرفته‌اند، اعطا شده است (اداره امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). اما فراتر از اقتصاد دانش‌بنیان که در آن دانش به‌عنوان عاملی درون‌زا و مؤثر بر رشد اقتصادی درنظر گرفته می‌شود و محرک اصلی بهره‌وری است، حکمرانی دانش‌بنیان با افزایش مرجعیت علمی در همه ابعاد و حوزه‌ها اهمیت دارد. در حکمروایی دانش‌بنیان، بر توانایی و قابلیت حکومت در به‌کارگیری دانش جهت کاهش خطاهای تکراری، گسترش نوآوری و بهترین عملکرد تأکید می‌شود. در این نوع مدیریت، هدف این است که مسائل را با راه‌حل‌های بالقوه، با ارزش بالا انتخاب کند و جستجوی

راه‌حل‌ها را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کند که احتمال، سرعت و هزینه کشف راه‌حل‌های ارزشمند بهینه شوند (نکرسون و زنگر، ۲۰۰۴). مدیریت دانش بر سه موضوع اصلی انسان، ساختار و فناوری تأکید دارد. این مفهوم با ایجاد ساختار مناسب و زیرساخت‌های فناوری لازم در سازمان و با محور قرار دادن انسان و تولید و استفاده صحیح از منابع دانش، به‌اهداف سازمانی دست می‌یابد. جوامع بشری با شتاب بی‌سابقه‌ای به‌سوی جامعه دانایی یا دانشی پیش می‌روند. شواهد و روندهای جهانی نشان می‌دهد رقابت‌پذیری کشورها به توانایی آنها در ایجاد، به‌کارگیری و انتقال دانش، به‌ویژه دانش فناورانه بستگی دارد (ایزدیان و همکاران، ۱۳۹۲). شناخت دانش (منبع سازمانی)، نظریه‌های رشد و ظهور سازمان‌های دانش‌بنیان، حوزه جدیدی از مدیریت دانش را در نظام‌های اطلاعاتی به‌وجود آورده‌اند. این پیشرفت‌ها نشان می‌دهد دانش در شکل‌های مختلف، دارایی و سرمایه انسانی است و سرمایه‌گذاری در آن، به کالاها و خدمات یا فناوری بالا منجر می‌شود (حقی و همکاران، ۱۳۹۳).

پیشینه تحقیق

در بررسی و مرور پیشینه پژوهش مشخص شد که در پژوهش‌های انجام‌شده این حوزه، به‌طور عمده به چند محور پرداخته شده است:

۱. برخی از پژوهش‌ها به پژوهش مؤثر و موانع کاربست‌پذیری یافته‌های پژوهشی پرداخته‌اند؛ برای مثال، محمدعلی احمدی شاپورآبادی و علی گل‌سرخ (۱۴۰۱)، در پژوهشی باعنوان «شناسایی موانع و ارتقای کاربست‌پذیری یافته‌های پژوهشی در نظام برنامه‌ریزی توسعه؛ رویکردی کیفی و مبتنی بر درس‌آموخته‌ها»، به طرح این پرسش می‌پردازند که باتوجه به اهمیت و تأکید کاربست یافته‌ها در حل مسائل و مشکلات کشور و نیز تأکید اسناد بالادست بر کاربست، چرا با وجود پژوهش‌های انجام‌شده تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در راستای حل معضلات و مشکلات در سطوح گوناگون جامعه از اقبال مطلوب و موردانتظار برخوردار نیست و پاسخ آن را در بحث کاربست یافته‌های پژوهشی و موانع مترتب بر آن در حوزه‌ها و ابعاد برنامه‌ریزی توسعه دنبال می‌کنند. محققان با استفاده از روش کیفی و انتخاب سطح نظام برنامه‌ریزی استانی، به شناسایی موانع و ارتقای کاربست‌پذیری یافته‌های پژوهشی پرداخته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، موانع کاربست در چهار بعد

ارتباطی، انسانی، روش‌شناختی و فرهنگی- اجتماعی شناسایی و تحلیل شدند و در ادامه، راهکارهایی مانند درک منطقی و واقعی از فرآیند توسعه و عوامل مؤثر بر آن، فراهم‌سازی و تعریف سازوکارهایی جهت تأثیرمدارشدن پژوهش‌ها بر توسعه و شاخص‌های آن از طریق تعیین جهتگیری‌ها و اقدامات سیاستی در برنامه‌های توسعه کشور، ارتقای فرهنگ عمومی در راستای تقویت راهبرد پژوهش و تقویت ارتباط کارکردی نهادهای متولی تولید آمار و اطلاعات در حوزه توسعه کشور و تقویت زیرساخت‌ها و نظام‌های پشتیبان پژوهش معرفی شده‌اند. همچنین حیدری سورشجانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، به بررسی موانع موجود در تهیه، اجرا و کاربرد یافته‌های پژوهشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی و کارشناسان فعال در حوزه پژوهش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد پرداخته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، میانگین موانع و مشکلات پیش روی کاربرست پژوهش به ترتیب در حیطه تهیه، کاربرد نتایج و مدیریت و اجرای طرح‌های تحقیقاتی بوده است. کبیری (۱۳۸۸) نیز، درباره مدل‌های کاربرست یافته‌های پژوهشی و نقش آنها در مدیریت پژوهشی، به سه نوع استفاده ابزاری، مفهومی و فرآیندی اشاره کرده و در هریک از این استفاده‌ها، مدل‌های کاربرست متناسبی را معرفی کرده است؛ مدل‌هایی مانند ارتباطات، فشار علم^۱، نشأت گرفته از دانش^۲، حل مسئله^۳، کشش تقاضا^۴، اشاعه، فرآیند دانش به عمل^۵ و مدل‌های تلویحی کاربرست ابزاری پژوهش در استفاده ابزاری، چارچوب بافت ادراک کاربر، مشارکتی و ارزشیابی متمرکز بر کاربرست. عابدی و همکاران (۱۳۸۴) نیز، در پژوهشی به فراتحلیل عوامل مؤثر بر افزایش کاربرست یافته‌های پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که عواملی چون راه‌اندازی نظام اطلاع‌رسانی پژوهش، برگزاری مستمر گردهمایی‌های ارائه یافته‌های پژوهشی، مسئله‌یابی و اولویت‌های دقیق پژوهشی، تقویت بعد فنی و روش‌شناختی تحقیقات، افزایش اعتبارات پژوهشی، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای معلمان، با کاربرست یافته‌های پژوهشی در سطح وزارت آموزش و

-
1. Science Push Model
 2. Knowledge-Driven
 3. Problem-Solving
 4. Demand Push
 5. The Knowledge-To-Action Process

پرورش مرتبط‌اند. همچنین مهم‌ترین عوامل بازدارندهٔ کاربرست تحقیقات در آموزش و پرورش عبارتند از عدم توانایی علمی مدیران و کارشناسان برای استفاده از نتایج تحقیقات، اطمینان‌نداشتن تصمیم‌گیرندگان به روش پژوهش و صحت نتایج، عدم اختصاص وقت از سوی مدیران در زمینهٔ کاربرست تحقیقات، دراختیارنبودن منابع کافی و مناسب (مالی، مادی، انسانی) برای عملیاتی‌کردن نتایج، قابلیت اجرایی نداشتن بعضی از یافته‌های پژوهشی، مبهم و عملیاتی‌نبودن نتایج و پیشنهادهای تحقیقات آموزشی. همچنین حسن‌زاده، (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به بررسی موانع و عوامل کاربرست یافته‌های پژوهشی توسط دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی، پرداخته است. براساس نتایج این پژوهش، ۳۰ مانع برای کاربرست یافته‌های پژوهشی وجود دارد. موانع در پنج طبقه تقسیم‌بندی می‌شوند: موانع انسانی، موانع سازمانی، موانع روش‌شناختی، موانع ارتباطی و موانع اجتماعی. به‌همین ترتیب، ۳۰ عامل کاربرست نیز در دسته‌های عوامل انسانی، عوامل سازمانی، عوامل روش‌شناختی، عوامل ارتباطی و عوامل اجتماعی شناسایی شده‌اند. درودی، (۱۳۹۹) در مقالهٔ «گزارش‌های سیاستی؛ حلقهٔ اتصال پژوهش و سیاست عمومی»، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که گزارش‌های سیاستی چه تأثیری بر فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری نهادهای عمومی گذاشته و چگونه به ارتقای ظرفیت سیاستی دولت یاری می‌رسانند. براساس نتایج پژوهش وی، گزارش‌های سیاستی با ارائهٔ شواهد باکیفیت، دانش جدید تولیدشده در پژوهش‌های خود را به پیام‌های بافت‌محور و رهنمودهای شفاف برای سیاست‌گذاران تبدیل می‌سازند که این روند در مذاکره با سیاست‌گذاران دربارهٔ شواهد پژوهشی و ارائهٔ رهنمودهای سیاستی، تکمیل خواهد شد. از نظر نویسنده، به‌منظور بهره‌گیری از یافته‌های گزارش‌های سیاستی در لایه‌های سیاست‌گذاری ضروری است تا هماهنگی نزدیکی بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران از همان ابتدا برای رسیدن به توافق بر سر مسائل کلیدی و ارتقای فهم روش پژوهش و نیز مالکیت یافته‌ها ایجاد شود. پنفیلد و همکاران (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و تعاریف تأثیر پژوهش، یک مطالعهٔ مروری»، به بررسی آنچه «تأثیر تحقیقات» نامیده می‌شود و ارائهٔ یک شبیه‌سازی جامع از ادبیات و اطلاعات موجود، با تکیه بر تجربیات جهانی برای درک پتانسیل روش‌ها و چارچوب‌های ارزیابی تأثیر انگلستان (UREF) پرداخته‌اند. این مقاله، نگاهی متمرکزتر به مؤلفهٔ تأثیر چارچوب تعالی پژوهشی بریتانیا در سال ۲۰۱۴ دارد و

برخی از چالش‌های ارزیابی تأثیر و نقشی که سیستم‌ها ممکن است در آینده برای گرفتن پیوندهای بین تحقیق و تأثیر ایفا کنند و الزاماتی که برای این سیستم‌ها وجود دارد، معرفی می‌کنند. دلانی^۱ (۲۰۰۱) بر اهمیت عواملی مانند استفاده از کار در تصمیم‌گیری‌های اجرایی، توصیه‌های سیاستی، مطالعات پیگیری و شبکه‌های حرفه‌ای در تأثیرگذاری بر تغییرات سیاستی تأکید کرده است. هینریچس-کراپلز^۲ (۲۰۱۶) بر ضرورت ارزیابی جامع تحقیقات، از جمله اثربخشی، کارآیی و عدالت، برای اطلاع‌رسانی در تخصیص بودجه و نشان دادن پاسخگویی، تأکید کرده است. شیلو (۲۰۲۱)، چارچوبی نظارتی برای ارزیابی اثربخشی تحقیقات علمی در سیستم علمی ملی، در سطح سازمان‌های علمی فردی و محققان ارائه کرده است. برای این امر، شاخص‌های فردی عملکرد علمی در سطح ملی تحلیل شده است. به‌طور خاص، شاخص‌هایی چون فعالیت‌های انتشار و پتنت، توسعه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، تجاری‌سازی فناوری‌ها در بازار داخلی و تبادل فناوری بین‌المللی، تحلیل شده‌اند. انطباق شاخص‌های ارزیابی در سطح سازمان‌های علمی و گواهینامه‌های محققان با شاخص‌های مورد استفاده در سطح ملی، تحلیل و چنین نتیجه‌گیری شده است که تاکنون سیستم ارزیابی مورد استفاده تأثیر چندانی بر تصمیم‌گیری در تخصیص منابع برای تحقیقات علمی نداشته است و جامعه کارشناسی نسبت به انتقال پیشرفت‌ها به بخش واقعی، کم توجهی به خرج داده است؛ اگرچه آمار موجود نشان می‌دهد که از سوی بنگاه‌های تولیدی تقاضا برای فناوری‌های جدید وجود دارد.

۲. برخی از پژوهش‌ها نیز به رویکرد مسئله‌محوری پرداخته‌اند: واعظی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با موضوع مسئله‌محوری و نامسئله‌محوری، به بررسی و مقایسه جهت‌گیری‌های سازمانی در ۱۲ سازمان فرهنگی کشور و طبقه‌بندی آنها از لحاظ چگونگی تمرکز بر مأموریت‌های اصلی‌شان پرداخته‌اند. در این تحقیق که براساس مطالعه موردی این سازمان‌ها شکل گرفته، رویکردهای مسئله‌محوری، ساختارمحوری، تکنولوژی‌محوری، جغرافیامحوری، سیاست‌محوری و سازمان‌های سردرگم، معرفی می‌شوند. نویسندگان ضمن طرح این نکته که برای شناسایی نوع جهت‌گیری یک سازمان، می‌توان به جنس تلاش‌های مدیریتی و کارشناسی آن در

1. Delaney

2. Hinrichs-Krapels

حل چالش‌های پیش روی خود توجه کرد؛ اتخاذ رویکرد مسئله‌محوری را از مفاهیم مورد سفارش برای شکل‌گیری سازمان‌های یادگیرنده معرفی کرده و به‌نوعی رویکردهای دیگر نامسئله‌محور را رقیب و جایگزین مسئله‌محوری دانسته‌اند. مسئله‌محوری منجر به تمرکز ظرفیت‌های کل سازمان بر مأموریت اصلیش می‌شود و به‌همین دلیل، کارآیی و اثربخشی سازمان را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نامسئله‌محوری در تعداد زیادی از سازمان‌های فرهنگی کشور مشاهده می‌شود که برای اصلاح آن، پیشنهاد شده میان سازمان‌های فرهنگی براساس مسائل - نه براساس وظایف - تقسیم مأموریت صورت گیرد. همچنین پورعزت و قلی‌پور (۱۳۸۸)، به بحث توسعه رویکرد مسئله‌محوری در مطالعات میان‌رشته‌ای پرداخته‌اند. در این پژوهش، ادعا شده است که عامه مردم به نظام‌های آموزشی بیش از نظام پژوهشی اعتماد دارند و توسعه پژوهش‌های مسئله‌محور می‌تواند نهادهای پژوهشی را به سطح مشابهی از اعتبار نظام‌های آموزشی برساند. حمزه حاجی‌عباسی (۱۳۹۹) در مقاله «تفکر طراحی در سیاست‌گذاری: سیاست‌های ایران در مقابله با کرونا»، به‌طور عمده، برخی از مسائل را تعریف‌نشده، نامشخص و بسیار پیچیده می‌داند و توضیح می‌دهد که نمی‌توان با این مسائل با شیوه‌های علمی و منطقی رایج روبه‌رو شد؛ چراکه این‌گونه مسائل با داشتن ابعاد مختلف و به‌هم‌پیوسته‌بودن علت و معلول در آن‌ها، قابلیت رسیدن به راه‌حلی مشخص را ندارند. در این مقاله، «تفکر طراحی» به‌عنوان روشی با ویژگی‌های غیرخطی، انسان‌محور، مشارکتی و یادگیری از شکست، برای شناخت و حل این‌گونه مسائل معرفی می‌شود. در این روش، با درگیر کردن مردم (جامعه سیاست‌پذیر) و استفاده از تخصص‌های چندگانه و بین‌رشته‌ای در تعریف مسئله، سعی می‌شود موضوع از جنبه‌های متعدد و از دید ذی‌نفعان گوناگون درک شود. در این مقاله با ارائه تعریفی از ویروس کرونا، به‌منزله مسئله‌ای که برخی از معیارهای پیچیدگی را دارد، به معرفی تفکر طراحی به‌عنوان یک نوآوری سیاستی، برای مقابله با این‌نوع مسائل پرداخته شده است.

۳. دسته دیگری از پژوهش‌ها، موضوع تأثیرگذاری را در نسبت با دولت و همچنین شاخص‌های توسعه بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، سعید غلامی نتایج‌امیری (۱۳۸۳)، در پژوهشی با‌عنوان «قدرت تأثیرگذاری توصیه‌های سیاستی منتج از طرح‌های پژوهشی در حل معضلات اقتصادی کشور»، به طرح این سؤال پرداخته است که چرا میان رشد کالبدی آموزش و پژوهش در عرصه اقتصاد و بازرگانی و حل

مسائل و مشکلات اقتصادی و بازرگانی کشور هیچ تناظر و تناسبی وجود ندارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که برخلاف باوری که ناکامی‌های مکرر در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی و بازرگانی کشور را تنها به تصمیم‌گیری و اجرای نامناسب مجریان و سیاست‌گذاران دولتی نسبت می‌دهد، ناآگاهی از ماهیت، خاستگاه و فلسفه حاکم بر رفتار دولت‌های موفق در ایران نزد پژوهشگران و اندیشمندان موجب بروز این ناکامی‌ها شده است. پیشنهادات و توصیه‌های سیاستی این تحقیق به این شرح است: تلاش برای شناخت ماهیت و خاستگاه دولت در ایران و تولید و ارائه نظریات اقتصادی جدید مبتنی بر این خاستگاه از دولت و سپس طراحی رویه‌های پژوهشی براساس آن، مسئله‌یابی دقیق، استفاده از سازمان کار طرح‌های تحقیقاتی با تخصص‌های مختلف، برقراری ارتباط مؤثر با مسئولین و سیاستگذاران در مراحل مختلف تحقیق، انجام پژوهش‌های بنیادین در حوزه خاستگاه دولت در کنار پژوهش‌های کاربردی، هدایت و تشویق محققان جهت استفاده هرچه بیشتر از روش‌های میدانی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای محققان و تعیین مرجع تصمیم‌گیری و دستگاه اجراکننده توصیه سیاستی در ذیل هر توصیه، سیاستی است. احسانی و همکاران (۱۳۹۵) نیز به بررسی اثربخشی پژوهش‌های فزاینده علمی داخلی بر شاخص‌های توسعه ایران در سه دهه اخیر پرداخته‌اند. در این پژوهش که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و آمار و اطلاعات ثانویه معتبر، داده‌های اصلی آن را تشکیل داده‌اند، با بررسی روند تغییرات جایگاه ایران در پژوهش با روند تغییرات جایگاه ایران از لحاظ شاخص‌های توسعه، این جمع‌بندی انجام شده که به‌رغم رشد علمی ایران در سه دهه اخیر، چون این رشد بیشتر جنبه کمی داشته، نتوانسته است کمک جدی‌ای به توسعه کشور کرده و باعث ارتقای شاخص‌های مهم توسعه شود. این پژوهش در پایان، تغییر دیدگاه مجموعه دست‌اندرکاران عرصه پژوهش کشور از نگاه کمی‌مدار به نگاه تأثیرمدار را ضروری دانسته است. باستو^۱، دانلوی^۲ و تینکلر^۳ (۲۰۱۶)، ابعاد مختلف اثربخشی علوم اجتماعی در رفتار حکمرانی و سیاست‌های عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. ویدونا^۴ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با

-
1. Bastow
 2. Dunleavy
 3. Tinkler
 4. Vidona

عنوان «تحقیق و نوآوری در ملت‌سازی: شاخصی برای پایداری توسعه در بخش مهم ایالت نیجریه»، ضمن طرح این نکته که پژوهش و نوآوری شاخص‌های کلیدی یک جامعه روبه‌رشد و مولد هستند، پژوهش را اقدامی سیستماتیک معرفی می‌کند که راه‌حلی مبتنی بر دانش برای مسائل ارائه می‌دهد و منجر به حرکت به سمت جامعه‌ای بهتر، آگاه‌تر و دارای موقعیت مناسب‌تری می‌شود و همراه است با نوآوری و ایجاد راه‌حل‌های جایگزین برای حل نیازهای سیستم و پیشران‌ها برای ملتی در حال رشد و تحول. هدف از این مقاله، کاربرد ظرفیت‌های تحقیق و نوآوری در جهت موفقیت اهداف توسعه پایدار در ملت‌سازی نیجریه به‌عنوان مطالعه موردی است و چنین نتیجه می‌گیرد که ظرفیت‌های موجود باید در حوزه‌های منابع، نیروی انسانی شایسته با ظرفیت، تعهد به تبدیل ضایعات به ثروت، مشارکت فراگیر افراد و ملت‌ها متمرکز شده و به بیشترین میزان برسد. باید از سوی ذی‌نفعان و نهادهای حامی به چالش‌هایی مانند جهت‌گیری ناکافی پژوهشی، فرهنگ ضعیف کارآفرینی فناورانه، انگیزه ناکافی برای تجاری‌سازی نتایج تحقیقات، عدم هم‌افزایی و پیوندهای مؤثر بین محقق و کاربران نهایی، بی‌توجهی نسبی به بخش آموزش، فقدان مربیگری پژوهشی برای ساختن توانایی‌های پژوهشی و انجام پژوهش‌های نوآورانه باکیفیت توجه شود. ساده و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با‌عنوان «برونداد علمی ایران: کمیت، کیفیت و فساد»، به موضوع افزایش استثنایی تعداد مقالات علمی ایران و نسبت آن با کیفیت و سیاست‌های دولت در این راستا پرداخته‌اند. آنها ضمن ذکر این مطلب که ایران نمونه‌ای افراطی از پارادایم «منتشرکردن یا نابودشدن»^۱ است که در حال حاضر در سراسر جهان فراگیر است، حدود ۴۵۰ هزار مقاله را در بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۸ بررسی کرده و از ۵۰ برابردن نرخ رشد مقالات سخن گفته‌اند که حتی کشورهایی با روند رشد سریع مثل چین، کره جنوبی و ترکیه را نیز پشت‌سر گذاشته است. براساس گزارش آنها، این رشد با افزایش استناد علمی و حتی همکاری‌های علمی بین‌المللی همراه بوده است. این مطالعه نشان می‌دهد که ایران به‌واسطه سرمایه انسانی بزرگ خود در آموزش عالی و تحقیقات، می‌تواند از این پنجره فرصت توسعه بهره‌بردار؛ با این حال، به جای به‌کارگیری این پتانسیل عظیم برای کمک معنادار به توسعه و شکوفایی ملت، سیاست مسلط، تمرکز بر کمیت انتشار به‌عنوان

هدف اصلی است. گفتمان رسمی با ادعاهای مبالغه‌آمیز منجر به غیبت رویکرد کیفی به پژوهش‌های علمی و رابطه ارگانیک آن با وجوه بنیادی جامعه و اقتصاد می‌شود. فساد پژوهشی فراگیر، پیامد مستقیم چنین رویکرد تولیدگرانه‌ای به پژوهش است. اگر در پارادایم جاری تغییر اساسی صورت نگیرد، نتیجه نهایی چنین سیاست‌گذاری‌های علمی چیزی جز نمایاندن دستاوردهای علمی با سهم نامتناسب ناچیز در پیشرفت علمی واقعی و تأثیر حتی کمتر از آن بر رفاه ملت نخواهد بود.

۴. گروه دیگری از پژوهش‌ها به موضوعاتی در حیطه پژوهش‌های دانشگاهی پرداخته‌اند. برای مثال، شیخ‌شعاعی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سواد آینده در اثرگذاری پژوهش‌های دانشگاهی»، به طرح این نکته می‌پردازد که پژوهش‌های دانشگاهی، به صورت ذاتی آینده‌محورند. در این مقاله بر این نکته تأکید شده است که سواد آینده، به سبب توانایی تصویرسازی و ایجاد آمادگی برای تغییرات احتمالی آینده، این ظرفیت را دارد که مسیر فعلی پژوهش‌های دانشگاهی را تغییر داده و زمینه‌های کاربرد این تحقیقات را توسعه دهد. چارچوب سواد آینده به افراد اجازه می‌دهد تا از طریق توسعه هدفمند تحقیقات آینده‌نگر، از آینده برای آشکارسازی (تبدیل دانش ضمنی به صریح)، بازنمایی (شناسایی موقیعت‌ها و بینش‌های کلیدی) و بازنگری (آگاهی از تفاوت‌های ظریف، مسائل و چارچوب‌های جدید) استفاده کنند. استدلال این پژوهش این است که سواد آینده، پنج مرحله کلیدی تعیین مسیر اثرگذاری پژوهش را به‌عنوان دستور کار پیش‌بینی برای عمل، برجسته می‌سازد که عبارتند از: تولید آگاهی مشترک (صریح‌کردن مفروضات پیش‌بینی‌شده)، عمق‌بخشیدن به تخیل جمعی پیرامون آینده، تقویت بازتاب انتقادی (زیرسؤال‌بردن مفروضات پیرامون تأثیر تحقیقات و تصور آینده)، برنامه‌ریزی و ایجاد تأثیر تحقیقاتی خاص، حصول اطمینان از اثرگذاری پژوهشی مسئولانه و اخلاقی. همچنین قورچیان و شریعتی (۱۳۸۸) در مقاله «نگاهی نو به تدوین نظام مدیریت پژوهشی در آموزش عالی کشور»، یکی از مسائل محوری و اساسی نظام پژوهشی کشور را چگونگی مدیریت بر تحقیقات دانسته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، ابعاد اصلی نظام مدیریت پژوهشی کشور در ۱۰ محور پدیدار می‌شود که عبارتند از: بُعد تشکیلات و ساختاری، بُعد انسانی، بُعد اقتصادی، بُعد آموزشی، بُعد فرهنگی-اجتماعی، بُعد دانش و تکنولوژی، بُعد جهانی و بین‌المللی، بُعد مجازی، بُعد کاربردی، بُعد آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی. باتوجه به این ابعاد، نظام مدیریت پژوهشی آموزش

عالی کشور باید خود را براساس رویکردهای جهانی بازبینی کرده و به کمک بازآفرینی‌های محلی به‌سوی یک نظام پویا، پایدار، منعطف و آینده‌محور گام بردارد. باستو، دانلوی و تینکلر (۲۰۱۴) در کتابی باعنوان *تأثیرات علوم اجتماعی*، با این پرسش درگیرند که چگونه دانشگاهیان با آموزش‌ها و تحقیقات خود می‌توانند منشأ تغییر و تفاوت شوند. دیویس و همکاران (۲۰۰۵) مدل‌هایی برای ارزیابی تأثیرات برون‌دانشگاهی علوم انسانی و اجتماعی به‌دست داده‌اند. آرانی و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله «تحصیلات عالی در ایران: توسعه کمی و چالش‌های کیفی»، با اشاره به دستاوردهای ایران در تعداد مقالات پژوهشی در سطح بین‌المللی در دو دهه آخر قرن بیستم، در پی تغییر سیاست دولت در آموزش عالی از تمرکز بر آموزش به پژوهش، به چالش‌هایی که پژوهش‌های آموزش عالی در ایران با آن مواجهند اشاره می‌کنند. این نویسندگان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پژوهش‌های آموزش عالی در ایران را شکاف میان دانشگاه و جامعه^۱ می‌دانند.

چالش دیگر، دولتی‌بودن ۷۰ درصد صنایع و بخش خصوصی بسیار ضعیف و توسعه‌نیافته در این حوزه است که نمی‌تواند روی پژوهش سرمایه‌گذاری کند. بخش دولتی نیازهای خود را با خرید اطلاعات فنی از کشورهای توسعه‌یافته با پول نفت انجام می‌دهد. در چنین شرایطی، هیچ نیازی برای بهبود وضعیت R&D نیست؛ چراکه همه نیازها می‌توانند از منابع بیرونی تأمین شوند. چالش رایج دیگر، تفکر کمیت‌گرا درباره موضوعات دانشگاهی است. تحصیلات عالی و مقالات منتشرشده در ایران تبدیل به موضوعی برای به‌دست‌آوردن پرستیژ و اعتبار شده‌اند. همچنین، طی دو دهه گذشته، همه تلاش سیاستمداران ایرانی بر تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها و صنایع، گسترش امکانات دانشگاهی و استخدام استادان متمرکز بوده است. بحران تحصیل بیش‌ازحد، مشکلات اجتماعی زیادی چون بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و فرار مغزها را به‌وجود آورده است. به‌عبارتی، در این حوزه باوجود پیشرفت‌های کمی، چالش‌هایی مانند آزادی علمی و مشارکت علمی متوسط وجود دارد؛ اما درنهایت، نویسندگان در یک جمع‌بندی کلی معتقدند که در ایران چشم‌انداز بالاتری وجود دارد و برای این خوش‌بینی دلایلی چون بهبود بودجه تحقیقات کافی به‌دلیل بهبود شرایط اقتصادی کشور در پی توافق سیاسی اخیر ایران

1. University-society gap

و کشورهای غربی^۱، روند کاهشی تعداد دانشجویان و در نتیجه، زمان کافی کادر علمی برای انجام وظایف پژوهشی، اصلاحات جدید در اهداف و سیاست‌های پژوهشی آموزش عالی و در نهایت روحیه تیمی و افزایش فعالیت‌های گروهی پژوهشی در بین اعضای هیئت علمی به دلیل توسعه موضوعات بین‌رشته‌ای را ذکر می‌کنند.

آنچه از مرور مجموعه پیشینه مورد مطالعه احصا می‌شود، این است که از یک سو در بیشتر پژوهش‌ها به محتوای پژوهش، روش پژوهش و گاهی با صراحت بیشتر به فرآیند پژوهش و نگارش گزارش‌های سیاستی به‌عنوان یکی از عوامل عدم کاربست پژوهش‌ها در سیاست‌گذاری اشاره شده است و از سوی دیگر، موضوع مهم و تاحد زیادی مغفول در مطالعات انجام‌شده، پرداختن به فرآیند انجام پژوهش در راستای اثربخشی بیشتر آن است و به‌نوعی جای آن در این مطالعات خالی است یا به حد نیاز و کفایت به آن پرداخته نشده است؛ لذا این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از تجارب موجود، به این امر پردازد و در این زمینه، خلأ پژوهشی موجود را پر کند.

روش‌شناسی و روش تحقیق

پژوهش حاضر به دلیل ارائه مدل نوین فرآیند پژوهش اثرگذار، از لحاظ هدف تحقیق کاربردی-توسعه‌ای است. رویکرد پژوهش، کیفی است و روش جمع‌آوری داده‌ها بر اساس شیوه‌های اسنادی انتخاب شده است. روش پژوهش مبتنی بر مرور نظام‌مند و فراتحلیل است. نمونه‌گیری از منابع، هدفمند است و با مروری بر ادبیات نظری، رویکردهای مسئله‌محوری و اثرگذاری پژوهش‌ها بر مبنای واژگان کلیدی و چارچوب نظری به بررسی و تحلیل نقش پژوهش‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌پردازد. در این راستا، نحوه تدوین ۱۰ نمونه از گزارش‌های سیاستی و مدیریتی مورد کنکاش قرار گرفت، در انتخاب این نمونه‌ها به شاخص‌هایی مانند پایگاه معتبر انتشار مقاله، به‌روزر بودن و داشتن اطلاعات لازم توجه شده است. در ادامه، چارچوب‌ها و فرآیندهای مطرح‌شده و گاهی به‌کارگرفته‌شده مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، نقاط قوت و ضعف آنها مشخص شده و در نهایت، چارچوبی برای پژوهش‌های سیاستی اثرگذار معرفی می‌شود. برای اعتباریابی نیز از اعتبار محتوا،

۱. در زمان نگارش مقاله، سال ۲۰۱۷.

به معنی پوشش دادن به تمام جنبه‌های موضوع و درک و فهم جامع محقق از موضوع و همین‌طور مراجعه به کارشناسان و داوران این حوزه استفاده شده است.

فرآیندهای منتخب انجام پژوهش مؤثر

برای فرآیند تنظیم و نگارش گزارش‌های سیاستی مسئله‌محور، توسط برخی از پژوهشگران و پژوهشکده‌ها، مدل‌ها و الگوهای پیش‌بینی شده و در مقالات علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی و سایت مؤسسات پژوهشی منتشر شده‌اند؛ روش‌هایی مانند تفکر طراحی، مسیر ساختارمند حل مسئله، روش مکث و... که در این قسمت به بررسی برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته، سپس با بررسی و تحلیل آنها، الگوی پیشنهادی معرفی می‌شود.

۱) تفکر طراحی

تفکر طراحی با داشتن ویژگی‌هایی چون غیرخطی بودن، انسان‌محوری (طراحی برای رفع نیاز انسان‌ها)، مشارکت‌محوری و یادگیری از شکست، امکان‌محوری (طرح پرسش‌هایی مانند چه می‌شود اگر...)، گزینه‌محوری (تولید گزینه‌های چندگانه و مدیریت سبدي از نظریات جدید) برای شناخت و حل مسائل عموماً تعریف نشده، نامشخص و بسیار پیچیده که نمی‌توان با شیوه‌های علمی و منطقی رایج با آنها روبه‌رو شد، به کار می‌رود. در این روش با درگیر کردن مردم (جامعه سیاست‌پذیر) و استفاده از تخصص‌های چندگانه و بین‌رشته‌ای در تعریف مسئله، سعی می‌شود موضوع از جنبه‌های متعدد و از دید ذی‌نفعان گوناگون درک شود. روش تفکر طراحی شامل پنج مرحله همدلی، تعریف مسئله، ایده‌پردازی، ساخت نمونه اولیه و ارزیابی است که می‌تواند در طول فرآیند سیاست‌گذاری برای شناخت بهتر مسائل با پیچیدگی بالا و پیدا کردن راه‌حل‌های موفقی مفید باشد (حاجی‌عباسی، ۱۳۹۹).

۲) مسیر ساختارمند حل مسئله

تحلیل سیاست، بیش از اینکه یک علم باشد، یک هنر است و به همان اندازه که بر روش اتکا می‌کند، بر شهود متکی است. دو شیوه برای این امر وجود دارد، شیوه‌ای که برای فرآیند حل مسئله، ساختارمندی را توصیه کرده و شیوه‌ای که برای حل مسئله ساختار بسیار اندک را تجویز می‌کند. این مسیر هشت‌گانه پیشنهادی، مسیری ساختارمند است و مطلوبیت نهایی آن این است که تکالیف و انتخاب‌های

مهمی را که در صورت نبود این ساختار ممکن است از آنها غفلت شود، یادآور می‌شود. مشکل اصلی این رویکرد ساختارمند این است که می‌تواند مکانیکی باشد و کمتر امکانی برای خلاقیت فراهم کند. این هشت مرحله عبارتند از: تعریف مسئله، گردآوری شواهد، ساخت بدیل‌ها، انتخاب معیارها، ترسیم پیامدها، مواجهه با موازنه‌ها، توقف، تمرکز، محدودسازی، تعمیق و تصمیم‌گیری و روایت داستان (بادیک و پاتاشنیکف ۱۳۹۹: ۱۹).

۳) روش مکث

این روش پیشنهادی برای حرکت از مسئله و گشودن گره‌های آن و رسیدن به راهبردها و راهکارهای مؤثر است که شامل مراحل زیر است:

- انتخاب مسئله از درون نظام‌واره مسائل موضوعی یا روش‌های جایگزین و تبیین کامل آن؛
- استخراج وضعیت مطلوب مسئله در اسناد بالادستی و ترسیم آن به صورت نمودار؛
- شکافتن ابعاد مسئله با تحلیل و فراتحلیل پژوهش‌های معتبر علمی؛
- استخراج و ارائه پیشنهاد حاکمیتی (تقنینی، اجرایی و قضایی) مسئله؛
- فراتحلیل پژوهش‌های پیشین در مورد ابعاد مسئله (آسیب‌ها، دلایل و عوامل، پیامدها، راهکارها)؛
- اقدامات انجام‌شده در مورد حل مسئله؛
- مشخص کردن گره یا عوامل اصلی حل‌نشدن مسئله؛
- تدوین راهبردها و راهکارها با مصاحبه عمیق با نخبگان علمی و اجرایی و همچنین بهره‌گیری از راهکارهای پژوهشی استخراج‌شده از فراتحلیل، به صورت دقیق و ناظر به واقعیات (دستی، ۱۳۹۹: ۱۲۳)؛
- همچنین محصولات تهیه‌شده از تحقیقات مسئله‌محور راهبردها انواع مختلفی دارند و در عناوین گزارش‌های تفصیلی، سند راهبردی، برآورد وضعیت، تحلیلی و هشدار قابل تهیه و انتشارند (دستی، ۱۳۹۹: ۱۷۲).

مراحل تدوین سیاست

در مجموع یک گزارش سیاستی مؤثر شامل خلاصه مدیریتی، تشریح وضعیت کنونی، توصیه‌ها و نتیجه است (رستمی، ۱۳۹۶) و با جزئیات بیشتر، تدوین سیاست

شامل مراحل چون مشخص کردن منبع مسئله، ایجاد گزینه‌های سیاستی، تنظیم اهداف، غربالگری و تلفیق گزینه‌ها، مشاوره و ایجاد حمایت و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در تدوین سیاست است (صفدری رنجبر، ۱۴۰۰: ۵۳-۶۲). یا در روایتی دیگر، شامل مواردی چون بیان هدف، تعیین مخاطب هدف، طرح دقیق موضوع، ارائه گزینه‌ها، شناخت اقلیم اقتصادی فعلی متناسب با استراتژی‌ها و قوانین موجود، استفاده از نمونه‌های بین‌المللی، اولویت‌بندی اطلاعات برای سیاست‌گذاران و ارائه به‌زبان ساده، نشان‌دادن اهمیت توصیه و تأثیر آن در دنیای واقعی با ارائه نمونه‌های کاربردی و تأکید بر اهمیت اقدام و عمل است (هراتی اصل، ۱۴۰۱). مراحل تدوین به‌روایت سیاست‌نامه علم و فناوری و پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف عبارتند از: چکیده یا خلاصه سیاستی، مقدمه و پیشینه مسئله، بیان اهمیت مسئله، ادبیات علمی مربوطه، بدنه گزارش، شامل تحلیل نقادانه و استدلال‌ات، ارائه یافته‌ها، تحلیل‌ها و نتایج تحقیق، شناخت و ذکر ذی‌نفعان، بیان گزینه‌ها و راه‌حل‌ها (توصیه سیاستی)، ضمیمه و منابع و کتاب‌شناسی است (تاجیک، ۱۴۰۰؛ سیاست‌نامه علم و فناوری، پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف). همچنین جامعه اندیشکده‌ها و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور نیز بخش‌های یک سند خلاصه سیاستی را در مواردی چون عنوان، بررسی مختصر وضعیت کنونی و خلاصه و شرحی از مشکل و دسته‌بندی چالش‌های موجود (چالش‌های سیاست‌گذاری کلان، حکمرانی درون‌سازمانی، هماهنگی برون‌سازمانی و عملیاتی)، نقد گزینه‌های سیاستی، توصیه‌های سیاستی و جمع‌بندی، دسته‌بندی می‌کنند (جامعه اندیشکده‌ها، ۱۴۰۲؛ مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۹۸).

لازم به ذکر است که یک پژوهش مؤثر به مواردی همچون آشکارسازی ضمنی به صریح (درک رویکردهای فعلی به اثرگذاری پژوهش)؛ طراحی مجدد: خلاقیت، ابتکار، تجربه (آشکارسازی شکاف‌های موجود در رویکردهای تأثیر پژوهش، جستجوی رویکردهای اثرگذاری پژوهش با تجسم آینده تأثیر پژوهش و بیان مقایسه مشاهدات و مفروضات پیش‌بینی‌کننده در مطالعات موردی) و بازنگری: مقایسه، تأمل، تثبیت (ارزیابی و گزارش حوزه اثرگذاری تحقیقات برای تحول در آینده)، توجه می‌کند (شیخ‌شعاعی، ۱۴۰۱).

یافته‌های پژوهش

مقایسه تطبیقی فرآیندها

در این پژوهش تلاش شده با مرور و بررسی مطالعات پیشین در حوزه تأثیرگذاری پژوهشی و آسیب‌شناسی آنها با تأکید بر فرآیندها، یک فرآیند جدید استخراج شود. برای این امر، پس از مرور شیوه‌های مختلف انجام پژوهش در حوزه گزارش‌های سیاستی، محاسن و معایب و یا نقاط قوت و ضعف آنها بررسی شده و درنهایت با اتکا به رویکردهای مطرح‌شده در بخش مبانی نظری، مدل مفهومی و چارچوب جدید انجام پژوهش‌های سیاستی مؤثر پیشنهاد شده است.

ذکر این نکته ضروری است که بیشتر فرآیندهای موجود کامل نبوده و هریک از شیوه‌ها تنها بخش‌هایی از یک فرآیند کامل پژوهشی را دارا هستند؛ با این حال، در مجموع از نقاط قوت و محاسن برخی از شیوه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ بیان مسئله، ضرورت، اهداف؛
- ✓ تعیین مخاطب هدف؛
- ✓ مبانی نظری و تجارب بین‌المللی؛
- ✓ روایت داستان؛
- ✓ تحلیل نقادانه و استدلال؛
- ✓ ساخت و تلفیق گزینه‌ها؛
- ✓ شناسایی ذی‌نفعان و بازیگران؛
- ✓ ترسیم پیامدها؛
- ✓ بیان چالش‌ها؛
- ✓ ارائه راهکارهای سیاستی.

درمقابل، مهم‌ترین نقاط ضعف و معایب فرآیندها و شیوه‌های پیش‌گفته، نپرداختن و یا عدم توجه جدی به موضوعات زیر است که با عنایت به تشریح کامل آنها در ادامه پژوهش در قالب چارچوب پیشنهادی، در این قسمت تنها به ذکر آنها اکتفا می‌شود:

- ✓ بیان سیاست جاری در موضوع و بررسی سوابق تقنینی و اجرایی (اسناد فرادست، قوانین، ضوابط و مقررات، آیین‌نامه‌ها)؛
- ✓ آسیب‌شناسی وضع موجود سیاست (مبتنی بر شواهد)؛

- ✓ روند پژوهی سیاست و عوامل مؤثر بر آن در آینده ایران و جهان؛
 - ✓ بیان مسئله از دیدگاه روایتگر؛
 - ✓ بیان روایت‌ها و ایده‌ها و استخراج گزاره‌های کلیدی؛
 - ✓ بررسی قیود روایت‌ها و ایده‌ها؛
 - ✓ مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی مرتبط با سیاست، ایده یا روایت (گرچه این محور در برخی از فرآیندهای موجود دیده می‌شود؛ لیکن نحوه کاربست این بخش با فرآیندهای موجود متفاوت است)؛
 - ✓ تعیین چارچوب ارزیابی و مدل پیشنهادی؛
 - ✓ میزان اهمیت هر یک از ارکان سیاست/ موضوع؛
 - ✓ ارزیابی ایده و روایت براساس ارکان و اهمیت آنها؛
 - ✓ بیان پیش‌نیازها و الزامات تحقق بسته پیشنهادی؛
 - ✓ بررسی و ارائه راهکار برای رفع تعارض منافع.
- در نهایت با عنایت به ارزیابی انجام‌شده تلاش شد تا فرآیند پیشنهادی این پژوهش حتی‌المقدور ضمن برخورداری از محاسن و نقاط قوت شیوه‌ها و فرآیندهای موجود، از نقاط ضعف و ایرادهای فرآیندی و محتوایی این شیوه‌ها پرهیز کند.
- چارچوب پیشنهادی انجام پژوهش‌های سیاستی با تأکید بر اثرگذاری بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری**

فصل اول: مقدمه / کلیات

- در این فصل کلیاتی که لازمه هر پژوهش علمی‌ای است، تشریح می‌شود که عبارتند از:
- ✓ بیان کلی مسئله
- در بیان مسئله، چالش اصلی موجود به صورت کوتاه و روشن تصریح می‌شود. در این بخش باید دغدغه و مشکل اصلی موجود به طور دقیق مشخص شود. پژوهشگر در شناسایی مسئله پژوهش، سعی بر آن دارد تا شواهدی دال بر وجود مسئله عرضه کند. به عبارت دیگر، پژوهشگر زمینه‌ای را تصویر می‌کند که در آن، مسئله مورد نظر رخ داده است. در این مرحله، ویژگی‌های مسئله، گستردگی و دلایل احتمالی بروز آن نیز شناسایی می‌شود. بیان یک مسئله روشن، دقیق و قابل اجرا، شاید دشوارترین مرحله یک پژوهش باشد.

✓ اهمیت و ضرورت

مقصود اصلی این بخش، متقاعد کردن مخاطبان هدف، در مورد اهمیت موضوعی است که به آن پرداخته می‌شود و اینکه یک مسئله اضطراری وجود دارد که نیاز به اقدام دارد. ارائه آمار و ارقام از رویدادها و تأکیدی که به وسیله متخصصان و صاحب نظران در یک زمان خاص یا مکان خاص صورت می‌گیرد، بیان کننده این است که پژوهش مورد نظر از ضرورت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، تأثیر انجام تحقیق در حل مسائل بخش‌های مختلف جامعه و ایجاد تحول در یک جامعه خاص یا حل مشکلات در یک مکان و یا زمان خاص بیان می‌شود.

✓ تعیین اهداف

هر پژوهشی برای دستیابی به اهداف خاصی صورت می‌گیرد. اهداف پژوهش، آنچه را که پژوهش در تلاش برای دستیابی به آن است، توضیح می‌دهد. این اهداف خود را در قالب مسئله پژوهش نمودار می‌سازند و از طریق بیان آن، آشکار می‌شوند. اهداف پژوهش می‌توانند به دو صورت کلی و فرعی مطرح شوند. ممکن است با پیشرفت پژوهش کمی اهداف تحقیقاتی تغییر کنند؛ اما آنها باید همیشه با تحقیقات انجام شده و محتوای واقعی پژوهش مطابقت داشته باشند.

✓ پرسش‌ها

پرسش‌ها باید در راستای دستیابی به اهداف طرح شوند. پرسش نقطه آغازین مسیری علمی است که هنوز به آن پاسخ داده نشده است و دو حالت دارد: یا این سؤال قبلاً طرح نشده و حالت بدیع دارد و یا به این سؤال به روش دیگری پاسخ داده شده که پاسخ آن، چالش برانگیز است.

✓ روش‌شناسی

روش‌های پژوهش، شیوه‌ها و ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، شیوه اجرا، روش‌های تحلیل آماری، محدوده و دوره زمان پژوهش تشریح می‌شوند.

✓ شناسایی مخاطبان

دربگیرنده شناسایی مخاطب یا مخاطبانی است که به‌طور عمده سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی را شامل می‌شود. در این بخش مهم است

که نویسنده بداند مخاطبان به چه میزان از موضوع آگاهی و شناخت دارند و چگونه این پیام را می‌پذیرند. معرفی دقیق دستگاه سفارش‌دهنده و یا استفاده‌کننده از پژوهش موردانتظار است.

فصل دوم: معرفی سیاست، آسیب‌شناسی وضع موجود و روندپژوهی

بعد از تشریح کلیات، در فصل دوم، به‌طور دقیقی مختصات سیاست فعلی در حال اجرا بیان شده و پس از آسیب‌شناسی سیاست، روندهای گذشته، حال و آینده آن سیاست مطرح می‌شوند.

✓ بیان سیاست جاری در موضوع و بررسی سوابق تقنینی و اجرایی (اسناد فرادست، قوانین، ضوابط و مقررات، آیین‌نامه‌ها)

این بخش به بیان سیاست فعلی در حال اجرا اشاره دارد که دولت آن را برای حل مسئله مبنا قرار داده است. همچنین در این بخش، اسناد فرادست، قوانین، ضوابط و مقررات و آیین‌نامه‌های مرتبط و حامی سیاست در حال اجرا تشریح می‌شود.

✓ آسیب‌شناسی وضع موجود سیاست (مبتنی بر شواهد)

منظور از آسیب‌شناسی وضع موجود، بیان نقاط ضعف و محدودیت‌های سیاست مورد عمل است. در این قسمت، لازم است اثرات و پیامدهای منفی سیاست تعیین شوند. همچنین باید روشن شود که چه جنبه‌هایی از سیاست فعلی نیاز به تغییر دارد. یک نمای کلی از سیاست مورد نقد و دلیل ناکافی بودن این سیاست نشان داده شود. در این مرحله، استفاده از مستندات و شواهد مورد تأکید است.

✓ روندپژوهی سیاست و عوامل مؤثر بر آن در آینده ایران و جهان

در این بخش، روندهای سیاست موردنظر از گذشته تا به حال و همچنین در آینده، در ایران و در صورت معنادار بودن (وجود آن سیاست) در جهان، مطرح می‌شوند. علاوه بر این، عوامل اثرگذار بر سیاست در حال اجرا در آینده، هم در ایران و هم در جهان، مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

فصل سوم: روایت روایت‌ها

در فصل سوم، روایت‌ها و ایده‌های متعدد و گاه متفاوت و حتی متضاد روایتگران که به‌طور عمده از صاحب‌نظران، ایده‌پردازان و صاحبان تجارب هستند، تشریح می‌شود.

✓ معرفی دقیق روایتگر

برای اینکه معرفی دقیقی از روایتگر صورت پذیرد، باید به دانش و تخصص، حوزه کاری و حرفه‌ای و تجارب روایتگر اشاره شده و تصویری از وی ارائه شود.

✓ بیان مسئله از دیدگاه روایتگر

اگرچه مسئله به‌طور کلی توسط نویسنده گزارش سیاستی در فصل اول مطرح می‌شود، لیکن در این قسمت، مسئله صرفاً از نگاه و زاویه‌دید یک متخصص (روایتگر) تشریح شده و اینکه چرا سیاست فعلی نیاز به بازنگری دارد، توضیح داده می‌شود.

✓ بیان روایت‌ها و ایده‌ها و استخراج گزاره‌های کلیدی

در این قسمت، روایت‌ها و ایده‌های جایگزین سیاست موجود به تفکیک هریک از روایتگران مطرح شده و مهم‌ترین گزاره‌های کلیدی هر روایت استخراج می‌شود.

✓ بررسی قیود روایت‌ها و ایده‌ها

در این بخش باید یک نمای کلی از قیود روایت و یا ایده موردنظر نشان داده شود. منظور از قیود، موانع و محدودیت‌های اجرای آن روایت و یا ایده است. علاوه بر این، باید به شرایط محدودکننده اجرایی نیز اشاره شود.

✓ شناسایی ذی‌نفعان، بازیگران و تعارض منافع میان آنها (به تفکیک هریک از روایت‌ها)

در این بخش، اینکه چه کسی، چه چیزی و تا چه میزان و از چه منظری تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مطرح می‌شود. علاوه بر این، چگونگی دخالت احتمالی ذی‌نفعان و بازیگران مختلف در این موضوع به تفکیک هریک از روایت‌ها و یا ایده‌ها بررسی می‌شود. پس از شناسایی ذی‌نفعان و بازیگران، تعارض منافع میان آن‌ها به‌دقت شناسایی می‌شود. این گام، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین گام‌هاست؛ چراکه نویسنده برای اینکه بتواند توصیه‌های سیاستی مناسب و بادوامی را طرح کند، باید به‌درستی منافع بازیگران و تعارض میان آن‌ها را تحلیل کند. برای این منظور، ابزارهای متعددی از قبیل تحلیل نقش‌آفرینان کلیدی، تحلیل رسانه اجتماعی و ماتریس منفعت و تعادل، در دسترس وی وجود دارد.

✓ بررسی نقدهای (نقاط ضعف و قوت) وارد شده به هریک از روایت‌ها و ایده‌ها مرور بر معایب و مزایای روایت‌ها و ایده‌های مطرح شده که در نوشته‌ها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و مواردی از این دست موجود است. البته نویسنده گزارش سیاستی در صورت صلاحیت علمی و یا تجربی می‌تواند نظرهای تخصصی خود را نیز در قالب نقاط ضعف و قوت یکایک روایت‌ها و یا ایده‌ها گزارش کند. گزارش این بخش به‌طور جدی‌تری در فصل پنجم و برای ارزیابی ایده و یا روایت کاربرد خواهد داشت.

فصل چهارم: مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی

در این فصل، مقدمات ارزیابی ایده‌ها و روایت‌ها از طریق طرح مبانی نظری و تجارب فراهم شده و درنهایت، مدل پیشنهادی ارزیابی تدوین می‌شود.

✓ مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی مرتبط با سیاست، ایده یا روایت این بخش مهم‌ترین نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی و نظریه‌های علمی حوزه‌های دیگر را که به‌طور مستقیم و دقیق ناظر بر سیاست، ایده یا روایت است، مورد کنکاش قرار می‌دهد. علاوه بر این، سوابق و تجارب موفق یا ناموفق خارجی و داخلی در زمینه موضوع موردنظر مطرح می‌شوند. به‌طور متعارف، در پژوهش‌ها از مبانی نظری و تجارب که به‌طور عمده در مراحل آغازین پژوهش طرح می‌شوند، برای بر ساخت چارچوب نظری و مدل مفهومی استفاده می‌شود تا فرضیه‌ها مبتنی بر مدل مفهومی تدوین شوند و در مجموع، مدل مفهومی راهبر و هدایتگر پژوهش تا انتهای مسیر خواهد بود؛ اما در این فرآیند، مبانی نظری و تجارب کمک می‌کنند تا علاوه بر ساخت مدل ارزیابی، خود راهنمایی برای ارزیابی محیط سیاست، ایده‌ها و یا روایت‌ها باشند.

✓ تعیین چارچوب ارزیابی و مدل پیشنهادی این بخش ناظر بر آن است که نظریه‌ها و تجارب چگونه بر تعیین چارچوب ارزیابی و مدل پیشنهادی اثر می‌گذارند. از یک‌سو، ارزیابی هریک از سیاست‌ها، ایده‌ها و روایت‌ها نیاز به روش، چارچوب و مدل دارد؛ از سوی دیگر، خمیرمایه اصلی مدل ارزیابی را نیز معیارها و شاخص‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌طور عمده از مفاهیم کلیدی مبانی نظری و تجارب احصا می‌شوند.

فصل پنجم: ارزیابی ایده‌ها و روایت‌ها

در فصل پنجم، ایده‌ها و روایت‌های مطرح‌شده برای جایگزینی سیاست در حال اجرا به‌طور دقیق و با استفاده از مدل پیشنهادی فصل قبل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

✓ ارکان سیاست / موضوع

منظور از ارکان سیاست و یا موضوع، مفاهیم کلیدی، اجزا و ابعاد آن سیاست و یا موضوع است که با بهره‌گیری از مطالب فصل‌های سوم و چهارم (بیان روایت‌ها و ایده‌ها و استخراج گزاره‌های کلیدی و مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی مرتبط با سیاست، ایده یا روایت) استخراج می‌شود.

✓ میزان اهمیت هر یک از ارکان سیاست / موضوع

هر کدام از ارکان مستخرج از بخش قبلی براساس میزان اهمیت‌شان وزن‌دهی می‌شوند. وزن‌دهی ارکان سیاست و یا موضوع با استفاده از روش‌های شناخته‌شده‌ای مانند دلفی و مبتنی بر نظرات تخصصی صاحب‌نظران، نخبگان و خبرگان همان حوزه انجام می‌شود.

✓ ارزیابی ایده و روایت براساس ارکان و اهمیت آنها

پس از وزن‌دهی ارکان، یکایک ایده‌ها و روایت‌ها امتیازدهی می‌شوند.

✓ بررسی پیامدهای روایت‌ها در ابعاد مختلف

در مرحله بعد، پیامدهای مثبت و منفی هر یک از روایت‌ها و ایده‌ها در ابعاد مختلف بررسی می‌شود.

✓ ارزیابی نهایی ایده / روایت

در نهایت، ایده‌ها و یا روایت‌ها براساس امتیازهای داده‌شده و همچنین میزان اثرات و پیامدهای مثبت و منفی، ارزیابی و بهترین ایده‌ها انتخاب می‌شوند. البته علاوه بر تعیین امتیاز و انتخاب ایده/های برتر، ایده‌های دیگر نیز اولویت‌بندی شده و نتایج در اختیار سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت.

فصل ششم: بسته پیشنهادی، پیش‌نیازها و الزامات

در نهایت در فصل پایانی، بسته پیشنهادی همراه با پیش‌نیازها و الزامات تحقق پیشنهادها ارائه شده و برای تحقق‌پذیری حداکثری ایده، راهکارهای رفع تعارض منافع نیز پیشنهاد خواهد شد.

✓ بسته پیشنهادی

این بخش شامل توصیه‌هایی برای تغییر است. با توجه به قیود اجرایی، سیاسی، سیاستی، اجتماعی و... شناسایی شده در بخش‌های قبلی، در این بخش، بسته‌های سیاستی با جزئیات و تعیین مناسب تشریح می‌شوند که البته جزئیات آن باید با قسمت‌های قبل پیوند داشته باشد. این بخش همچنین نشان می‌دهد که چه نهادها یا اشخاصی نقش تدوین، تصویب، اجرا، نظارت و بازبینی توصیه‌های سیاستی را دارند و در صورت وجود، گام‌ها و مراحل زمانی نیز ارائه می‌شود. در این بخش، نویسنده به مخاطب خود راه و روش و رهنمود عملی را ارائه می‌دهد.

✓ بیان پیش‌نیازها و الزامات تحقق بسته پیشنهادی

اجرای بسیاری از سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی مستلزم وجود و یا فراهم آوردن برخی از پیش‌نیازهای حقوقی-قانونی، زیرساختی، روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و یا اقتصادی است. علاوه بر این، برخی الزامات نیز باید به بسته پیشنهادی پیوست شود.

✓ بررسی و ارائه راهکار برای رفع تعارض منافع

در فصل سوم، ذی‌نفعان و بازیگران شناسایی شده و تعارضات احتمالی میان آنها کشف می‌شود. در این قسمت، با توجه به سیاست و یا ایده منتخب و جزئیات بسته پیشنهادی، برای رفع تعارض منافع، راهکارهای اجرایی پیشنهاد می‌شود.

توصیه‌های کلیدی

✓ در کل فرآیند گزارش، حتی‌المقدور باید توصیف‌ها و تحلیل‌ها مبتنی بر شواهد دقیق و مستندات کمی باشند؛

✓ ضروری است در گزارش‌ها آینده‌نگری با تأکید بر اثرات فناوری برجسته باشد؛

✓ مناسب است هریک از روایت‌ها با دقت تبیین شود و درمقابل روایت‌های دیگر قرار گیرد.

جمع‌بندی (نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی)

پژوهش حاضر سعی داشته به این سؤال اساسی پاسخ دهد که فرآیند مناسب برای انجام پژوهش‌های سیاستی چه ساختار و اجزایی دارد؛ به‌نحوی که بتواند بالاترین میزان اثرگذاری را بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری داشته باشد؟ ساختار و اجزای فرآیند مناسب پژوهش‌های سیاستی به‌طور کامل و با تشریح جزئیات آورده شده است. در این ساختار پیشنهادی، نخست اینکه یک فرآیند کامل پیشنهاد شده که علاوه بر پوشش تمام نیازهای یک گزارش سیاستی، تلاش شده تا ارتباط بخش‌ها و فصل‌ها با یکدیگر طوری باشد که استخوان‌بندی و خط سیر پژوهش در جهت کمک به سیاست‌گذار باشد. دوم اینکه موضوع قیود اجرای سیاست پیشنهادی به‌طور جدی موردتوجه قرار می‌گیرد. سومین نکته، تأثیر روندپژوهی بر شناسایی و ارزیابی روایت درست است. چهارم اینکه مبانی نظری و تجارب داخلی و خارجی نه به‌عنوان هدایتگر مدل مفهومی؛ بلکه برای کمک به ارزیابی و پیش از آن، ساخت مدل ارزیابی پیشنهاد شده است. پنجمین نکته مهم، شناسایی تعارض منافع ذی‌نفعان و بازیگران و از آن مهمتر، ارائه بسته پیشنهادی برای رفع تعارض‌ها در اجرای سیاست منتخب است. ششمین ویژگی این فرآیند، مقابل هم قراردادن روایت‌های متفاوت و ارزیابی دقیق هر یک از روایت‌ها و یا ایده‌ها است. در مجموع، می‌توان گفت این فرآیند ویژگی‌های منحصربه‌فرد زیادی دارد که می‌تواند تسهیل‌کننده مسیر کاربرست نتایج پژوهش‌ها در حوزه سیاست‌گذاری باشد.

علاوه بر این، سؤال‌های فرعی‌ای نظیر چگونگی متقاعدسازی سیاست‌گذاران به اجرای نتایج پژوهش‌ها، قابلیت اثرگذاری پژوهش‌ها بر سطح توسعه و عوامل بیرونی مانع تحقق آثار توسعه‌ای موردانتظار نیز مطرح شده است. در پاسخ به سؤال چگونگی متقاعدسازی سیاست‌گذاران به اجرای نتایج پژوهش‌ها باید گفت همانطور که در مبانی نظری نیز اشاره شد، محیط اختیاردی، ساختارهای اختیاردی، تعارض منافع و ساختارهای تصمیم‌گیری از جمله موارد تأثیرگذار بر شکل‌گیری یک حکومت توانمند است که از طریق کاربرست نتایج پژوهش‌ها سعی در اتخاذ رویکردی مسئله‌محور برای حل مسائل کشور و گام‌برداشتن در مسیر توسعه دارد. در این راستا و در چارچوب پیشنهادشده در بخش ششم این مقاله، از طریق توجه به قیود اجرایی، سیاسی، سیاستی و اجتماعی سیاست‌گذار و ارائه بسته

پیشنهادی و توصیه‌های عملی برای تغییر در آن، تلاش می‌شود راهکارهای لازم برای فائق آمدن بر این موانع، بسته به هر مسئله خاص، ارائه شوند و همان‌طور که اشاره شد، با فراهم آوردن پیش‌نیازهای حقوقی-قانونی، زیرساختی، روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و یا اقتصادی لازم، بستر اجرای سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی مهیا شوند. نکته مهم دیگر این چارچوب پیشنهادی، نظر به اهمیت بحث تعارض منافع، شناسایی ذی‌نفعان و بازیگران و ارائه راهکارهای اجرایی متناسب با مسئله، برای رفع تعارض منافع میان بازیگران اصلی آن است. همچنین تحقق این رویکرد جدید پژوهشی و کمک آن به حل مسائل کشور از طریق توجه به توانمندسازی حکومت، در عمل منجر به رفع موانع توسعه شده و کشور را در مسیر دستیابی به آثار توسعه‌ای موردانتظار قرار می‌دهد.

در پایان، پیشنهادهای اجرایی برای تحقق کاربست پژوهش‌ها در حوزه سیاست‌گذاری و تکمیل این زنجیره از انجام پژوهش تا کاربست ارائه می‌شود:

- ✓ تشکیل هسته ارتباطی در داخل دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات پژوهشی با مراکز سیاست‌گذاری جهت پرهیز از موازی‌کاری و دوباره‌کاری پژوهشی (چون براساس مطالعات پیشین، یکی از مشکلات حوزه پژوهش، ارتباط بسیار ضعیف میان مراکز پژوهشی و مراکز استفاده‌کننده از تحقیقات است)؛
- ✓ تشکیل دفتر ارتباط با جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی در دانشگاه‌ها، همانند دفتر ارتباط با صنعت جهت افزایش ضریب تأثیرگذاری پژوهش‌ها بر جامعه؛
- ✓ پیش‌بینی سازوکار نحوه اثرگذاری بر سیاست‌گذار و کمک به بازشدن قیدها و گره‌های ذهنی او از حیث انواع گره‌های ذهنی، اجرایی و پارادایمی و تبدیل به عادت و رویه‌کردن تصمیم‌گیری براساس نتایج پژوهش‌ها در میان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران؛
- ✓ تشکیل دبیرخانه یا هسته ارتباطی با دانشگاه و مراکز و مؤسسات پژوهشی در مراکز سیاست‌گذاری جهت اطلاع از آخرین نتایج و یافته‌های پژوهشی و دسته‌بندی و ارائه آنها به سیاست‌گذار (در صورت نیاز، تکمیل و تدقیق آنها).

- احسانی، وحید؛ اعظمی، موسی؛ نجفی، سیدمحمدباقر و سهیلی، فرامرز (۱۳۹۵). «اثربخشی پژوهش‌های علمی داخلی بر شاخص‌های توسعه ایران». *پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، دوره ۳۲، ش ۲: ۳۴۷-۳۱۹.
- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۴۰۱). شناسایی موانع و ارتقای کاربست پذیری یافته‌های پژوهشی در نظام برنامه‌ریزی توسعه؛ رویکردی کیفی و مبتنی بر درس آموخته‌ها. تهران، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- اداره امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد (۱۳۸۶). *شناخت جوامع دانایی*، ترجمه اسماعیل یزدان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اندروز، مت. پریجت، لنت و وولکاک مایکل (۱۳۹۹). *توسعه به‌مثابه توانمندسازی حکومت: شواهد، تحلیل و عمل*. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی، تهران، انتشارات روزنه.
- ایزدیان، زینب؛ عبداللهی، بیژن و کیانی، مراد (۱۳۹۲). «مدیریت دانش، الگویی جهت مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری». *رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد*. سال دهم، شماره ۳۷: ۶۴-۷۰.
- باردک، یوگین و پاتاشنیک اریک. ام. (۱۳۹۹). *راهنمای کاربردی تحلیل سیاست‌گذاری: مسیر هشت‌گانه‌ای برای اثربخشی بیشتر حل مشکلات*. ترجمه امیرهوشنگ حیدری و مرتضی توکل، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آریین (۱۳۸۸). «توسعه رویکرد مسئله‌محوری در مطالعات میان‌رشته‌ای». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۳: ۱۴۰-۱۲۷.
- پویش فکری توسعه (۱۴۰۰). *کتاب توسعه، گزارش صفر: تبیین مفهوم توسعه و جایگاه کشورهای جهان در شاخص توسعه پویش*، اصفهان، فرهنگ مردم.
- پویش فکری توسعه (۱۴۰۱). *کتاب توسعه، گزارش یک: تجربه توسعه و جایگاه کشورهای جهان در شاخص توسعه پویش*، اصفهان، فرهنگ مردم.
- تاجیک، عباس (۱۴۰۰). *یادداشت سیاستی چیست و چگونه انجام می‌شود؟ سیاست‌پژوهی و اندیشه‌ورزی موفق، جامعه‌اندیشکده‌ها*.
- حاجی‌عباسی، حمزه (۱۳۹۹). «تفکر طراحی در سیاست‌گذاری: سیاست‌های ایران در مقابله با کرونا». *سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره ۱۰، ش ۲: ۹۰-۷۵.
- حیدری سورشجانی؛ مباحثی، سعید؛ دریس، محمود؛ محمودی، فاطمه؛ کاظمی، سمیه؛ وردنجانی، عبدالرحیم (۱۳۹۵)؛ «بررسی موانع موجود در تهیه، اجرا و کاربرد یافته‌های پژوهشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی و کارشناسان فعال در حوزه پژوهش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد».
- نشریه دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ش ۲: ۸۱-۷۲.

- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۳). «بررسی موانع و عوامل کاربست یافته‌های پژوهشی توسط دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی». *تعلیم و تربیت*، ش ۴.
- حقی، محبوبه؛ راستی برزکی، مرتضی؛ مهدوی، حمید (۱۳۹۳). «رتبه‌بندی عوامل مؤثر در موفقیت اجرای مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان؛ مطالعه موردی: شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان». *فصلنامه رشد فناوری*، شماره ۴۱: ۵۸-۵۲.
- دشتی، محمدتقی (۱۳۹۹). *روش تحقیق مسئله‌محور راهبردگرا*. تهران: انتشارات مکت اندیشه.
- درودی، مسعود (۱۳۹۹). «گزارش‌های سیاستی؛ حلقه اتصال پژوهش و سیاست عمومی». *سیاست‌پژوهی*، دوره ۷، ش ۱۹: ۳۲-۴۹.
- رستمی، محمدباقر (۱۳۹۶). «نحوه نگارش یک گزارش سیاستی مؤثر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۷، ش ۲۳: ۱۶-۱۱.
- شمس، علی؛ ایروانی، هوشنگ؛ رضوانفر، احمد؛ کلاتری، خلیل (۱۳۸۷). «تحلیل عاملی مسائل و مشکلات پژوهش‌های کشاورزی در کشور». *فصلنامه فناوری‌های نوین کشاورزی*، دوره ۱۲، شماره ۲: ۱۰۲-۸۷.
- شیخ‌شعاعی، حمزه (۱۴۰۱)، «نقش سواد آینده در اثرگذاری پژوهش‌های دانشگاهی». *پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، گردشگری و تکنولوژی*.
- صفدری رنجبر، مصطفی؛ کریمیان، زهره؛ فهام، الهام (۱۴۰۰). «سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی: با نگاهی ویژه به فناوری و نوآوری». تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- عابدی، احمد؛ عربی سامانی، سیدحمیدرضا؛ شواخی، علیرضا (۱۳۸۴). «فراتحلیل عوامل مؤثر بر افزایش کاربست یافته‌های پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش». *نشریه نوآوری‌های آموزشی*، دوره ۴، ش ۱۲: ۱۳۳-۱۰۹.
- غلامی نتاج‌امیری، سعید (۱۳۸۳). «قدرت تأثیرگذاری توصیه‌های سیاستی منتج از طرح‌های پژوهشی در حل معضلات اقتصادی کشور»، *دومین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد*، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). *زندگی سراسر فهم مسئله است: مسئله و مسئله‌شناسی در علوم اجتماعی و انسانی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۹). *علوم انسانی و مسئله تأثیر اجتماعی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فیروزی، محمدعلی؛ روستایی، شهرپور؛ کاملی‌فر، محمدجواد؛ ملکی، سعید (۱۳۹۸). «تحلیل مؤلفه‌های تبیین‌کننده حکمروایی شهری دانش‌بنیان (مطالعه‌ای در کلان‌شهر تبریز)». *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۷، شماره ۳: ۴۸۹-۴۷۱.
- فیلیک، اووه (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- قورچیان، نادرقلی؛ شریعتی، سعادت (۱۳۸۸). «نگاهی نو به تدوین نظام مدیریت پژوهشی در آموزش عالی کشور»، *رهیافت*. ش ۴۴: ۶۱-۵۷.
- کبیری، مسعود (۱۳۸۸). «مدل‌های کاربردی یافته‌های پژوهشی و نقش آنها در مدیریت پژوهشی به مثابه یک حوزه میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۱، ش ۴: ۱۶۸-۱۴۷.
- پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف. ساختار مقالات خلاصه سیاستی (گزارش سیاستی)؛ *سیاست‌نامه علم و فناوری*، تهران، پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف. گل‌وردی، مهدی (۱۴۰۰). «خلاصه سیاستی: ابزار تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری». *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۱۱، ش ۳۸: ۳۶۲-۳۴۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی: ضد روش*، ج ۱ و ۲، تهران، جامعه‌شناسان.
- منصوری، رضا (۱۳۸۴). *ایران را چه کنیم؟ سامان‌دهی و نابسامانی‌های توسعه علمی*. تهران، انتشارات کویر.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۸). *بررسی چالش‌های سیاست توسعه تعاملات بین‌المللی علمی از طریق مراکز مرجع تعاملات علمی بین‌المللی (فوکال پوینت‌های) منتخب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*. تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). «درآمدی بر کاربردی تحقیقات»، *راهبر*، سال هفتم، شماره ۱۴.
- واعظی، احمد؛ عبداللهی‌نسانی، علی؛ ابراهیمی، کریم (۱۳۹۶). «مسئله‌محوری و نامسئله‌محوری؛ مقایسه و تحلیل رویکردهای جهت‌دهی سازمانی در مدیریت سازمان‌های فرهنگی کشور»، *دین و سیاست فرهنگی*، ش ۹: ۳۲-۷.
- هراتی اصل، امید (۱۴۰۱). ۸ اصل پژوهش سیاستی موفق، سیاست‌پژوهی و اندیشه‌ورزی موفق. *جامعه‌اندیشکده‌ها*.
- هراتی اصل، امید (۱۴۰۱). ۱۰ دستورالعمل برای نوشتن توصیه‌های سیاستی، سیاست‌پژوهی و اندیشه‌ورزی موفق. *جامعه‌اندیشکده‌ها*.
- جامعه‌اندیشکده‌ها (۱۴۰۲). *آشنایی با انواع اسناد اندیشکده‌ای؛ سند خلاصه سیاستی*، تهران، جامعه‌اندیشکده‌ها.
- Sadeh, S. Mirramezani, M. Mesgaran M. Feizpour, A. Azadi, P. (2019). The Scientific Output of Iran: Quantity, Quality, and Corruption, *Stanford Iran 2040 Project*, Stanford University.
- Arani, A. Kakia, L. Malek, M. (2018). Higher Education Research in Iran: Quantitative Development and Qualitative Challenges in Jung, J. Horta, Yonezawa, A. (eds) *Higher Education in Asia: Quality, Excellence and Governance*. Springer, Singapore.
- Delaney, A.M. (2001). Institutional Researchers' Perceptions of Effectiveness. *Research in Higher education*, Vol.42, No.2: 197-210.

- Hinrichs-Krapels, S. Grant, J. (2016). Exploring the Effectiveness, Efficiency and Equity of research and research impact assessment. *Palgrave Communications, Palgrave Macmillan*, vol. 2, No (1): 1-9.
- Lang DJ, Wiek A. (2022). Structuring and advancing solution-oriented research for sustainability: *Ambio's 50th Anniversary Collection. Theme: Solutions-oriented research*. Vol (51), No (1):31-35.
- LSE Public Policy Group (2016). Maximizing The Impacts of Your Research: A Handbook for Social Scientists. UK
- Penfield, T. Baker, M.J. Scoble, R. Wykes, M.C. (2014). Assessment, Evaluations, and definitions of research impact: A Review. *Research Evaluation*, Vol.23, Non (1): 21-32.
- Bastow, S. Dunleavy, P. Tinkler.J (2016). Measuring The Impact of Social Science Research in UK Central Government Plicy Making. UK: *London School of Economics and Political Science*.
- Huw, D. Nutley,S. Isabel W. (2005). Assessing the impact of Social Science Research: Conceptual, Methodological and Practical issues A Background Discussion Paper for ESRC Symposium on Assessing Non-Academic Impact of *Research, Research Unit for Research Utilisation School for Management, University of St Andrews*.
- Shepelev G. (2021). On the evaluation of the effectiveness of scientific research. *Science management theory and practice*. Vol.3, No (4):123-145.
- Vidona, W. B. (2021), Research and Innovation in Nation Building: Index for Sustainable Development in Critical Sector of the Nigerian state. *Science and Education*, vol. 2, No (7): 346-353.
- Nickerson, J. Zenger, T. (2004). A knowledge-based theory of governance choice—A problem-solving approach. *Organization Science*, Vol.15, No (6): 617-632.

A new process of effective research in policy paper: A step towards the realization of knowledge-based governance

Hamid Mohammadi*

Received: 9 March 2024 Accepted: 8 July 2024

Vol.5, No.18, Summer 2024

Abstract

The application of practical research with the purpose of enhancing decision-making and, subsequently, national development are key concerns for researchers, policymakers, and professionals across various scientific, academic, and executive fields. Over the past two decades, our country has seen significant growth in the number of published articles, leading to an improved international ranking for Iran. However, a notable issue remains: the limited impact of these research findings on various economic, social, cultural, and environmental sectors.

This research aims to introduce a new process for preparing research reports, with a focus on policy papers, to enhance their influence and foster a stronger sense of progress towards national development. The study was conducted through a combination of documentary research and meta-analysis, evaluating existing processes in policy research and identifying areas for improvement. Ultimately, this led to the development of a new framework for crafting policy papers that emphasize the impact on decision-making by enhancing the government's ability to achieve development goals.

* Assistant Professor, Department of Foresight & New Technologies, Center for Development Research & Foresight, Tehran, Iran.
Email: hamidmoham@gmail.com

The proposed framework is organized into six chapters: 1) Introduction, 2) Policy Description, Current Situation Analysis, and Trend Research, 3) Narrative Development, 4) Literature Review and Case Studies from Iran and the World, 5) Evaluation of Ideas and Narratives, and 6) The Proposed Package, Prerequisites, and Requirements.

Keywords: University & Policy Making Interaction, New Process, Effective Research, Policy Paper, Knowledge-Based Governance, Government Empowerment

Jel Classification: B00

